

# آهنگ بدیع

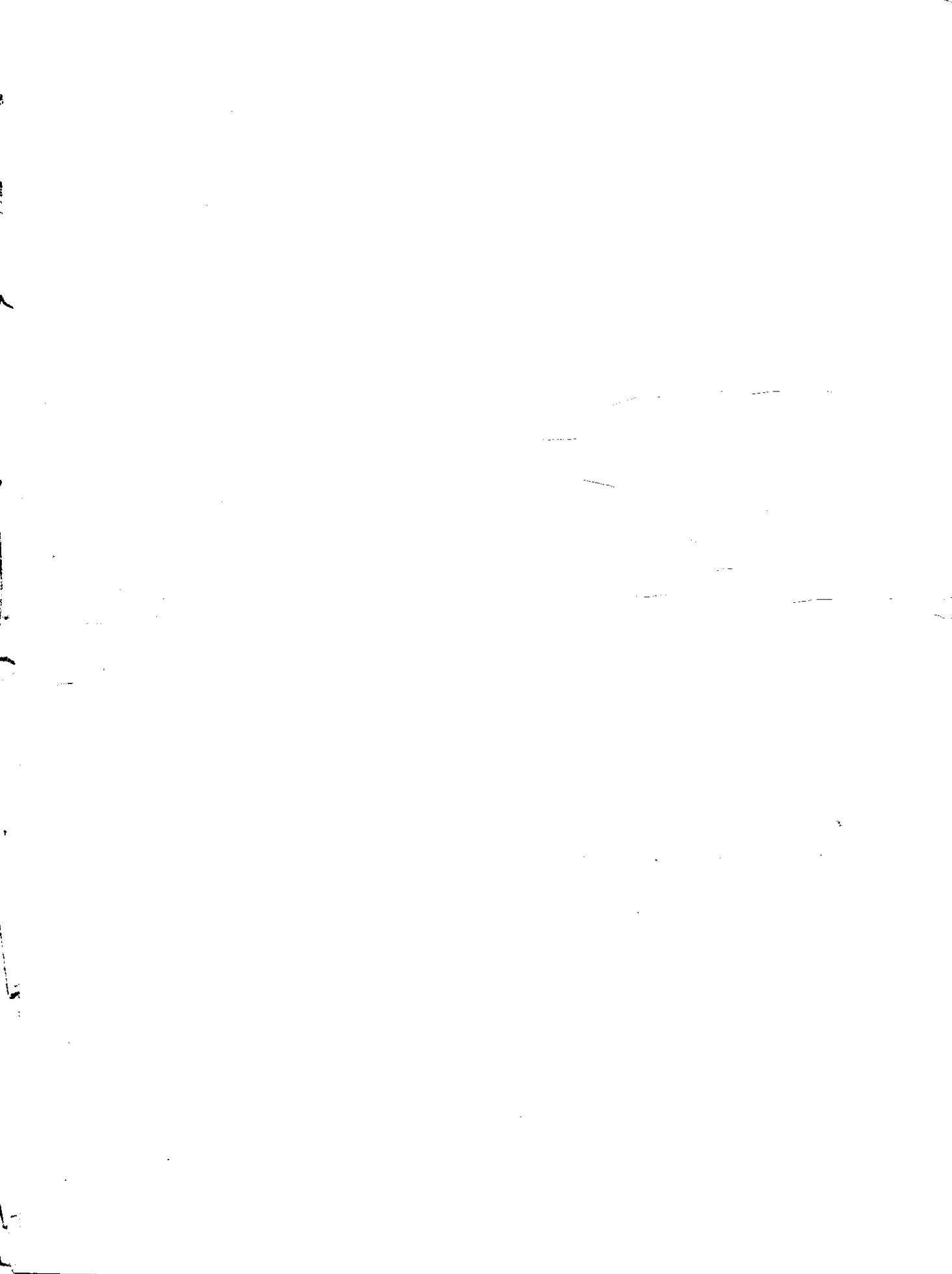
سال

۲۳

شماره

۲۱





اجتہاداً قطعاً نباید هیچ عزبی داخل شوند و در امور سیاسیہ در نظر نمایند. و حضرت عبدالبہاء

فہرست مطالب

صفحہ

۲	۱ - لوح مبارک حضرت عبدالبہاء
۳	۲ - سر آغاز
۶	۳ - دو مین کانونشن بین العلیٰ بہائی
۱۰	۴ - خسرو گل ( شعر )
۱۲	۵ - خاطراتی از کانونشن جهانی ۱۲۵ بدیع
۱۷	۶ - فلورانس برید خان
۲۰	۷ - نامہ تاریخی
۲۳	۸ - عید گل ( شعر )
۲۴	۹ - گفتگوئی با جناب اشراق خاوری
۲۷	۱۰ - گروه داون بریکرز
۲۹	۱۱ - منابع تاریخ امر بہائی
۳۳	۱۲ - بشری ہلہ بشری ( شعر )
۳۴	۱۳ - نامہ ای از یک مہاجر
۳۶	۱۴ - اخبار مصور
۳۹	۱۵ - سابقہ
۴۱	۱۶ - نظرات خوانندگان
۴۴	۱۷ - گفت و شنود
۴۵	۱۸ - نوجوانان

# آہنگ بدیع

سال

۲۳

شمارہ

۲-۱

شمارہ مسلسل ۲۵۴ و ۲۵۳

شہر البہاء تا شہر الجمال ۱۲۵ - فروردین وارد بیہشت ۱۳۴۷

مخصوص جامعہ بہائی است

ای با حقستی و مشتاقان جمال الهی چون حی قیوم بسیم اسماء و صفات و کمالات و شون بر ما کان و ما یکنون  
تجلی فرمود و مطلع امکان را با نواز سیر لامکان منجلی نمود جوش و حسه و شش و ذرات کائنات قبا و نیکان  
رحمت فیضان نمود و پرتو آفتاب درخشد نسیم صبا بوزید و ندای الهی بگو شهر رسید و لها بطیبه و جاننا برید  
رخسار افروخت و پرده با بسخت روی یار هر جان جلوه نمود و قلوب عاشقان شعله سوزان بر زد چشم مشتاقان  
از سرور گریان شد گلشن توحید ترین یافت و گلزار تجرید آراسته گشت جشن فیوضات تریب یافت و بزم  
است آماده گشت سیر سلطنت الهیه اشعرا رحمت و (الرحمن علی العرش استوی) متحقق گشت پس اعظم  
تجلی جمال قدم در این بزم اتم و بیکل مشتاق جلوه نمود و بر افاق اشراق نمود و مطرب الهی او تا  
مثالث و مثانی بدست گرفت و با سنگ پاری آغاز نغمه و ساز نمود و شهنشاز این ترانه آغاز کرد

این عهد است	پیمان بدست است	بازار گشت است	از یوسف رحمانی
میان فاق است	پیمان و طلاق است	آفات نفاق است	از رحمت یزدانی
این عهد قدیم است	این سه قوم است	این امر عظیم است	از طلعت ابمانی

روحی لاجبانه الفداء ع ع

# سراغاز

هر سال بهنگام انتشار نخستین شماره سال نو با خوانندگان عزیز خود گفتگویی داریم  
از گذشته  
از آینده  
از امکانات  
از موانع  
و از آرزوهایی که در دل میپروریم .

به همین روش امسال هم باشما گفتنیهایی داریم و از اقدامات سال پیش آغاز میکنیم :  
در ستون توفیقات سال مورد گزارش انتشار شماره مخصوص بمناسبت یکصد میهن  
سال اعلان عمومی امر در رأس اقدامات هیأت قرار میگیرد .

کسانی که با کار مطبوعات و بخصوص مطبوعات امری و امکانات محدود آن از جمیع جهات  
آشنائی دارند بخوبی میدانند که فراهم آوردن دوپست صفحه مطلب خاص این شماره  
و تصحیح و تنظیم و تصویب آنها بدست آوردن گزارشهایی مربوط به کفرانسمای شش گانه  
و مطالب دیگر از گوشه و کنار جهان ردیابی محلهائی که در آن وقایع تاریخی یکصد سال  
پیش امر اتفاق افتاده گردآوری خاطرات قدما مراجعه به شعراء و نویسندگان و  
تقاضای سرودن اشعار و نوشتن مقالات باین مناسبت و دهها مسائلی از این قبیل تا چه  
حد مشکل و مستلزم صرف وقت و حوصله و عشق و علاقه است . پس اگر بگوئیم انتشار  
شماره مخصوص مهمترین اقدام هیأت در سال گذشته بوده است سخنی به گزاف نگفته ایم  
همچنین باید از انتشار شماره های دیگر مربوط به بیست و دومین سال آهنگ بدیع یاد  
کرد که این شماره ها چه از حیث فرم و صورت و چه از حیث کیفیت نسبت به سالهای ما  
قبل آن پیشرفت محسوس داشته است .

بخش نوجوانان سهم مؤثری از شماره مخصوص و سایر شماره ها را بخود اختصاص داده

است و استقبال پرشوری که توسط نوجوانان و جوانان عزیزبھائی و حتی اولیاء محترم آنها از این قسمت بعمل آمده نشانه ' توفیق کمیسیون نوجوانان و هیئت تحریریه در این قسمت بشمار میرود .

تشکیل پنج جلسہ انجمن نویسندگان و همکاران آھنگ بدیع اقدام با اھمیت دیگری در سال گذشتہ محسوب میگردد . آھنگ بدیع همیشه در پی آنست کہ از آثار فکری و موجبات روحی و لدوق و استعداد نویسندگان و گویندگان و هنرمندان امر در مقیاس وسیع استفادہ نماید و انجمن نویسندگان برای این منظور محل و مجمع مناسبی بشمار میرود و بہر حال از این طریق یقیناً بہ کیفیت نشریہ افزودہ شدہ است .

خارج از عالم امر در بین بزرگان علم و ادب آھنگ بدیع مقام والا ئی احراز کردہ است بطوری کہ نویسندگان و گویندگان عالیقدری مساعی روحانی و معنوی ہیأت تحریریه را در راه خدمت بعالم انسانی ستودہ اند .

از حیث اشتراک تیراژ آھنگ بدیع بہ نسبت قابل توجہی بالا رفتہ است و این تزیاید چہ در داخل و چہ در خارج از ایران بچشم میخورد .

درستون مقابلہ مهمترین اشکالی کہ جلوه مینماید تأخیر در انتشار آھنگ بدیع و رسیدن آن بدست خوانندگان عزیز است .

بی آنکہ بخواھیم از خود دفاع کنیم صمیمانہ باید گھت کہ این تأخیر زائیدہ علل و عواملی است کہ بعض از آنها از اختیار ما خارج بودہ است .

از ہر دہ مقالہ و مطلبی کہ بہ ہیأت تحریریه میرسد شاید بیش از نصف آن با توجہ باقتضا وقت و مصلحت امر و یا عدم رعایت اصول نویسندگی و غیرہ غیر قابل انتشار تشخیص میگردد و باین ترتیب تہیہ و گردآوری مطالب قابل استفادہ ہمیشہ مشکلی را برای ما ایجاد کردہ است .

کمیوہ متصدی و وسائل چاپ و تکثیر و مأمور وصول و ایصال علل دیگری برای تأخیر محسوب میشود بہر حال تا پایان سال ۶۶ سہ شمارہ بخوانندگان ارجمند بدھکار بودہ ایم و لسی ہنگامی کہ این شمارہ بدست شما میرسد دیگر بدھی مزبور وجود نخواھد داشت .

مسألہ دیگر کمیوہ ارتباط است با خوانندگان و بالتبعیجہ نداشتن اطلاع کافی از عقایسد آنان نسبت بہ نشریہ . برای رفع این مشکل دو اقدام در سال گذشتہ صورت گرفت یکی ضمیمہ کردن پرسش نامہ طی دو شمارہ و استدعای دادن پاسخ بہ سوالات مطرح در آن و دیگری ادامہ صفحہ گھت و شنود کہ مخصوص ارتباط با خوانندگان محترم نشریہ است . گرچہ این تدابیر تا حدی موثر واقع شد ولی هنوز نتیجہ کامل از آنها اخذ نگردیدہ و البتہ اشتیاق و اقدام متقابل خوانندگان ارجمند مکمل اقدامات ما در این زمینہ خواھد بود .

با مقایسہ درستون توفیقات و اشکالات باین نتیجہ میرسیم کہ توفیقات ہیأت تحریرسہ در سال ۶۶ بر جنبہ های عکس آن برتری داشته و ہمین احساس بانضمام تشویق و محبت خوانندگان عزیز الھام بخش و مددکار اقدامات بعدی ما خواھد بود .

آرزو میکنیم در سال جدید کارها آنگونه پیش رود که در پایان سال گزارش اقدامات مسلمانان دهنده موفقیت و پیشرفت کامل باشد و دیگر از تأخیر اثری برجلی نماند.  
آرزو میکنیم پس از جبران تأخیر که انتشار چند شماره دوتائی را ایجاب مینماید آهنگ بدیع در موقع مهله خود بدست خوانندگان محترم برسد بطوری که شماره فروردیسن را در همان ماه و شماره اردیبهشت را بنگاه رضوان بخوانند.  
آرزو میکنیم تأخیرگفتنی فتمری در اشتیاق خوانندگان با وفای آهنگ بدیع بوجود نیسورد و موجب نشود تا از آن بی نصیب بگذرند.

بیاد آوریم داستان سعدی و دوستش را در مقدمه گلستان بدانجا که میفرماید:  
بامدادان که خاطر باز آمدن بر رأی نشستن غالب آمد دیدمش دامن گل و ریحان و سنبل و ضیمران فراهم آورده و رغبت شهر کرده گفتم گلستان را چنانکه دانی بقائی و عهد گلستان را وفائی نباشد و حکماء گفته اند هر چه نباید دل بستگی را نشاید. گفتا طریق چیست گفتم برای نزهت ناظران و فسحت حاضران کتاب گلستان توانم تصنیف کردن که باد خزان را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند.

از گلستان من بیسرورقسی	بچه کار آیدت زگی طبقسی
وین گلستان همیشه خوش باشد	گل همین پنج روز و شش باشد
وین گلستان همیشه خوش باشد	و ماهم با سعدی شیراز هم آواز شویم و سرائیم :
	گل همین پنج روز و شش باشد

هیئت تحریریه

# دوین کا نویشن بین المللی کھبائی

بیسہ ماوری

ساعت ۶¼ صبح روز پنجشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۴۷ مطابق ۱۸ آپریل ۱۹۶۸ از طهران حرکت کردیم . عده ٹی از اعضا\* محافل ملیہ ہندوستان - پاکستان - باناما - مالزیہ - مکزیکو - تایلند - برونای - برزیل و بعضی محافل ملیہ دیگر نیز با ما بودند .

.....

از روز چهارشنبه ۲۸ فروردین مطابق ۱۷ آپریل ۱۹۶۸ طبق اجازہ بیت العدل اعظم اعضا\* محافل ملیہ میتوانستند وارد ارض اقدس شوند . این دو مبعسن کانونشن بین المللی بہائیی است کہ برای انتخاب بیت - العدل اعظم منعقد میشود در کانونشن اول کہ در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد ۵۷ محفل ملی شرکت داشتند و در این کانونشن اعضا\* ۸۱ محفل ملی شرکت دارند .

ساعت ۹¼ صبح بوقت طهران کہ ساعت ۷/۴۰ بوقت محلی بود بہ تل اوپور رسیدیم . فاصلہ تل اوپو و حیفہ را نیز با تاکسی سہ ساعتہ پیچودیم . طبق برنامه واردین بہ بیست حر وفہ محل انعقاد کفرانس مراجعہ و کارت ورودی و برنامه زیارت خود را دریافت مینمودند نمایندگان بگروہ های مختلف تقسیم میشدند و ہرگروہ وقت معینی برای زیارت روضہ مبارکہ و قصر بہجی و سایر اماکن مقدسہ عکا همچنین زیارت دارالانار داشتند .

در حیفہ مکرر زیارت مقسام اعلی و مقام حضرت عبدالبہا\* میرویم و این زیارت اثر عجیبی دارد . این گوشہ و آن گوشہ مقابل مقام - در آستانہ مقام کنار دیوار - در وسط اطساق از ہمہ \* نقاط کرہ ٹسی -

زانی - تایلندی - ہندی - امریکائی - مکزیکی - اروائیسی و افریقائی - سفید و سیاہ در نہایت سکوت مشغول زیارت و راز و نیازند - یکی زانوزدہ و دستہارا بحالست قنوت بلند نمودہ است دیگری مدت مدیدی در حال سجدہ میماند یکی ایستادہ دیگری نشستہ است ہر یک کتابی در دست دارند و بتلاوت مناجات مشغولند ولی آہستہ و در نہایت توجہ کسی صدای آنان را نہی شنود و سکوت شکستہ نمیشود .

.....

روز جمعہ ۱۹ آپریل مطابق سی ام فروردین زیارت روضہ مبارکہ - قصر بہجی و بیست عبود نائل شدیم با اینکہ دو مرتبہ دیگر افتخار زیارت اعتبار مقدسہ را داشته ام باز ہمہ



جا بنظم تازه و بدیع آمد حدائق حول روضه مبارکه (حرم اقدس) در نهایت نظافت و صفا و طراوت و نظارت و نظم و ترتیب خاص نظر هر بیننده را جلب می‌کند سروهای کوچکی که منظم کاشته شده بسیار قشنگ و جالب است هم در مقام اعلی و هم در روضه مبارکه باغات و حدائق اعجاب انگیز است و با اینکه حیفاً نظر مساعدت هوا پر گل و سبزه است ولی این حدائق بی نظیر است نه تنها در این شهر بلکه بیقین در تمام دنیا چنین نظارت و طراوت توأم با نظم و ترتیب و زیبایی و صفا یافت نمی‌شود و این امری است که حتی خارجیان و نفوس غیر بهائی اعتراف می‌کنند .

.....

روز شنبه ۲۰ آوریل برای زیارت آثار امری بدار الآثار رفتم . در دارالآثار شمایل جمال اقدس ابهی و حضرت اعلی - عکسهای از حضرت عبدالبها - حضرت ورقه مبارکه علیا - حضرت غصن اطهر و حضرت ولی مقدس امرالله - آثار و الواح حضرت بها - الله و حضرت اعلی - البسه و لوازم اختصاصی حضرت بها - الله - حضرت

اعلی - حضرت عبدالبها - حضرت ورقه مبارکه علیا و حضرت ولی امرالله و بعضی اشیا مربوط بوالده حضرت عبدالبها و والده حضرت بها - الله - البسه - خونین حضرت غصن اطهر - شعرات جارك حضرت بها - الله انگشتر حضرت قدوس - شمشیر باب الباب - قبالة ازدواج حضرت بها - الله و بسیاری آثار نفیس دیگر زیارت گردید . از همه این آثار متبرکه نفیسه گذشته ائانه و لوازم دارالآثار که بوسیله حضرت ولی محبوب امرالله تهیه شده بینهایت نفیس و گرانبهاست که باسلیقه حضرت امة البها در محل مناسب مورد استفاده قرار گرفته است .

.....

صبح ۲۱ آوریل ساعت ۹ صبح در سالن بیت حروفه اولین کانونشن بین الطلی بهائی به ریاست ایادی امرالله امة البها حضرت روحیه خانم تشکیل شد . ابتدا اظهار داشتند هر کس ورقه رأی ندارد یا قبلاً با پست فرستاده و اکنون مایل بتجدید است برای اخذ ورقه مراجعه نماید سپس عده بی بیز مخصوص مراجعه و اوراق خود را دریافت داشتند . سپس پرسیدند آیا کسی سوالی

در باره این اوراق دارد و بعد با بیانات مختصر و جامع سی جمله را شروع فرمودند و یک مناجات انگلیسی شخصاً تلاوت فرمودند سپس پنج مناجات دیگر به زبانهای اسپانیولی - انگلیسی - فارسی فرانسه تلاوت شد و بعد نمایندگان با سکوت و توجه بنوشتن اوراق و تکمیل رأی خود پرداختند . در این جلسه حضرات ایادی امرالله و اعضا بیت العدل اعظم حضور داشتند .

حضرت امة البها چند مرتبه سوآل نمودند اگر کسی هنوز رأی خود را ننوشته دست خود را بلند کند چون عده بی هنوز ننوشته بودند فرمودند عجله نکنید و بنویسید - اسامی ۱۹ نفر هیئت نظار قبل از جمع آوری اوراق قرائت شد . بعد اسامی محافل ملیه بترتیب حروف الفباء قرائت و حاضرین باکات رأی را شخصاً بصندوق میریختند و رأی غایبین نیز که با پست فرستاده شده بود در نوبت خود به صندوق ریخته میشد - پس از آن - صندوق تحویل هیئت نظار شد که در بیت مبارک حضرت عبدالبها با استخراج مشغول شوند و جلسه با تلاوت مناجات ختم شد .

۴ بعد از ظهر روز ۲۱ آپریل جشن رضوان در عکا در حرم اقدس مقابل روضه مبارکه بسا حضور اعضاء بیت العدل اعظم و حضرات ایادی امرالله و نمایندگان کانونشن تشکیل شد ابتدا مستر ایمز گیسن عضو بیت العدل اعظم جلسیه را افتتاح نمودند . سپس ایادی امرالله جناب سمندری لوح مژده باد مژده باد را بسا نهایت قدرت تلاوت فرمودند و مناجات بزبانهای انگلیسی و اسپانیولی تلاوت گردید و لوح عید بوسیله جناب رضی عباسیان با لحن بسیار خوش و مؤثر تلاوت شد . پس از قرائت قسمت هائی از تاریخ عیسی رضوان به زبانهای اسپانیولی و انگلیسی شفیقه خانم فتح اعظم با لحنی ملکوتی شعر رشح عما را تلاوت نمودند .

يك شعر بزبان هندی و دو مناجات بزبان آلمانی و ژاپنی تلاوت و در خاتمه جلسه بسا صوت ملیح و مؤثر ایادی امرالله جناب فیضی زیارت نامه مبارك زیارت گردید . سپس حاضرین دسته دسته بزبان روضه مبارکه مفتخر و نائل شدند .

جریان اجرای پروگرام ایمن جلسه بی نظیر بود ولی آیا ممکن است روح و کیفیت ایمن اجتماع تاریخی را برشته تحریر

در آورد و روحانیتی که در این جلسه حکفرما بود بصورت محسوس جلوه داد . شاید اگر نویسنده ئی توانا نیسز قلم بدست گیرد از عهده تجسم روحانیت و کیفیتی که در آن جمع و محل مواج و قابل لمس بود بر نیاید بنابراین مرا معذور دارید .

روزهای بعد صبح و عصر هر يك از جلسات اختصاص به موضوع خاصی داشت و یکی از حضرات ایادی امرالله ریاست هر جلسه را بعهده داشت . مناجات بالسنه مختلفه تلاوت میشد و پس از صحبت مختصری از طرف رئیس جلسه نمایندگان نظریات و پیشنهادات خود را در موضوع مورد بحث بیان مینمودند که بوسیله دستگاہ ضبط صوت ضبط میشد .

رئوس مواضع مختلفی که در این جلسات مورد بحث و اظهار نظر قرار میگرفت عبارت بودند از اهداف باقیمانده نقشه نه ساله - مقابله ظلمت ضلالت و نور هدایت - عهد و میثاق الهی - استقرار امر و حیات بهائی - قیام به مهاجرت و خدمت و تبلیغ دسته جمعی - نسل آینده ( جوانان و اطفال ) روز دوم یعنی ۲۲ آپریل نتیجه انتخابات و اسامی اعضاء بیت العدل اعظم در شورو

و هیجانی بی نظیر بوسیله هیئت نظار بترتیب اگریت و بشرح ذیل اعلام شد :

مستر ایمز گیسن - جناب علی نخجوانی - جناب هوشمند فتح اعظم - مستر ایان سمیل مستر چارلز ولکات - مستر دیوید هوفمن - مستر بسورا کاولین - مستر هیوجانس - مستر دیوید روهه .

بخواهش ناظم جلسه اعضاء بیت العدل روی صحنه مقابل حاضرین آمدند همه بیجا خواستند و بکف زدن و ابراز مسرت پرداختند . در ایمن هنگام صوت سرود الله ابهی لرزه به ارکان بنا افکند اشک شوق از دیدگان همه جاری بود و دلها مالا مال سرور و شکرانه .

چون مستر الینگا ایادی امر روزی که اسامی اعضاء بیت العدل اعظم اعلام شد در جلسه حضور نداشتند روز بعد در جلسه قبل از بیان راپورت ملاقات با رئیس جمهور گفتند من میخواهم روی اعضاء بیت العدل را ببوسم . اعضاء بیجا خواستند و همه حاضرین نیز قیام کردند و در تمام مدت مصاحبه ایادی امرالله جناب الینگا با اعضاء بیت العدل اعظم طنین سرود الله ابهی که بوسیله همه حاضرین

خواننده میشد خاطره ذکر  
 اصحاب اولیه را تجدید میکرد  
 فی الحقیقه قلم و بیان عاجز  
 از ذکر و بیان این قبیل است .  
 احساسات و کیفیات است .  
 در روز آخر که ریاست جلسه  
 با ایادی امرالله یوگوجیاگری  
 بود پس از نطق مختصری در  
 باره تاریخچه ورود حضرت  
 بهاء الله به ارض اقدس  
 و وقایع متعاقب آن اسلایدهای  
 مربوط به اراضی مقدسه  
 زیارت شد و پیام بیت العدل  
 اعظم خطاب به کانونشن  
 بوسیله مستر ایمزگیسن  
 قرائت و جلسه با تلاوت

مناجات ختم شد .

در جلسه خداحافظی باچای  
 از نمایندگان پذیرائی شد  
 حضرت امة البهائه با وقار و  
 متانتی بی نظیر در بین جمع  
 می خرامیدند و بایک یسک  
 نمایندگان صحبت و اظهار محبت  
 میفرمودند . لحظه خداحافظی  
 نیز تأثر انگیز بود باچه کیفیتی  
 نمایندگان یکدیگر را در آغوش  
 می کشیدند و می بوسیدند و  
 رجای دعا جهت موفقیت  
 میکردند .

نمایندگان محافلی

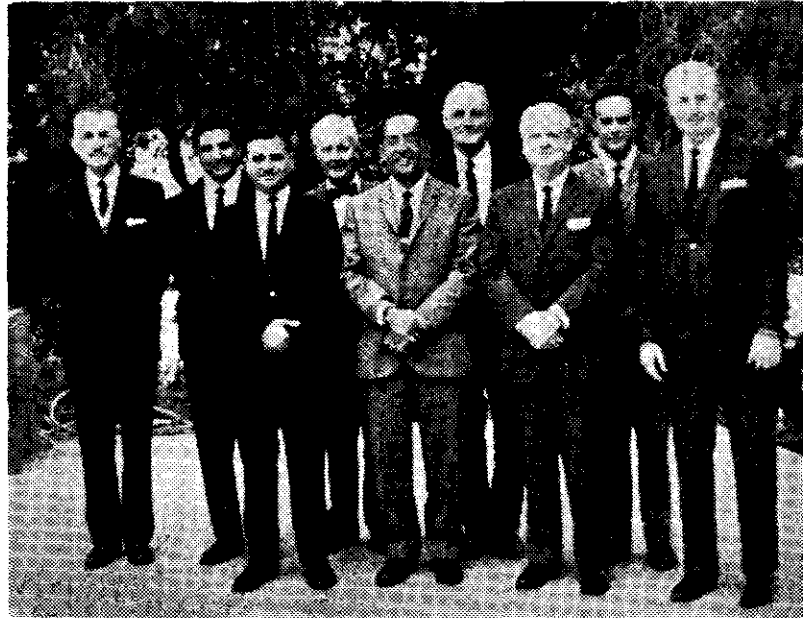
که اهداف مشترک داشتند

در کمیسیونهای متعدد تشکیل

جلسه میدادند و در باره  
 امور مورد علاقه مشورت مینمودند

.....

روز پنجشنبه ۲۵ اپریل شهر  
 زیبای حیفا را با همه زیبایی  
 و صفا ترک نمودیم در حالی  
 که چشمهایمان گریسمان و  
 آرزویمان توفیق خدمت  
 در ساحت قدس حضرت  
 یزدان بود .



اعضای دومین بیت العدل اعظم الهی

# خسروگل

باز وزان شد صبا بدشت و کپسارها      جامه گلها بدوخت بسوزن خارها  
رونق رضوان گرفت ساحت گلزارها      نوید نوروز داد غلغله سارها  
چلچله ها ولوله فکسده بردارها  
باز بطرف چمن غنچه بر از زاله شد      باز زیاقوت تو یرو دهن لاله شد  
بگرد نسپن زیرگ چو گرده هاله شد      بلبل شوریده باز به نغمه و ناله شد  
ناله زایام هجر نغمه زد دیدارها  
بنفشه از خواب نازد و باره بیدار شد      نرگس بیمار و مست سالم وهشیار شد  
کان گهرزای ابر باز گهر بار شد      دمن ز بوی سمن غیرت تاتار شد  
جوان کند پیر را گردش گلزارها  
باد سحر سیم<sup>(۱)</sup> را بدل بسیاط کرد      بهر کجا بود یخ از وزشی آب کرد  
سنبل آشفته را پر شکس و تاب کرد      جامه ای از ارغوان برتن غاب کرد  
دماند چون نار طور ز نارها نارها  
کنار جونستن بگرد او نازها  
به پیشه قرقاولان به نهرا غازها  
به نخلها نخلها به سروها سارها

(۱) کایه از یخ و تبدیل شدن آن به آب .

هر که بدلخواه خود محفل آراسته	کرده مهیا در آن زهرچه دل خواسته
یکی زخودگردم بیاده پیراسته	یکی ز شوق و شغف برقص برخاسته
یکی بیا کرده شرف ز تار و ترمساره‌ها	
کشتی عیش و نشاط بط‌بسط انداخته	بکاج دراجها چه لانه‌ها ساخته
خسرو گل در چمن خیمه برافراخته	هدهد باد صبا بهر طرف تاخته
که مژه گل برد بدشت و کپساره‌ها	
بیا در این نوپهار جوانی از سر کنیم	گذر به پیرانه سر بکوی دل‌پیر کنیم
زی میثاق و عهد سپس لبی تر کنیم	شور نشوری بیا چه صبر محشر کنیم
مگر که این خفتگان شوند بیدارها	
مگوی (منقائیا) که بیرم و ناتوان	بود دگر نوبت خدمت نسل جوان
بدرگه دوست نیست فرق جوان و توان	که هر که را خدمتی سزد براین آستان
یکی پذیرا به بزم یکی به بیکاره‌ها	

دگر تو گل صفائی

# خاطراتی از کانوشن جهانی ۱۲۵ بدیع

نور - دکتر هوشنگ رافت

امسال عید فصیح (Pass-Over) کلیمیان و عید قیام مسیح (عید پاک) مقارن با عید اعظم رضوان و انعقاد کانوشن تاریخی بین المللی ثانی در مدینه منوره حیفاً گردید .

هزاران نفر توریست از کشورهای مختلف با اسرائیل آمده بودند . در خود شهر حیفاً نمایشگاه جهانی گسل دایر بود و مردم اسرائیل هم با شور و هیجان مقدمات جشن بیستمین سال تأسیس دولت مزبور را تسد ارك میدیدند .

بر فراز کوه کومل در سالن " بیت حروفه " نمایندگان محافل ملیه جهان از تاریخ ۲۱ تا ۲۵ آوریل مطابق با اول تا پنجم رضوان ۱۲۵ بدیع مجتمع بودند . دومین باریست که چنین مؤتمری جهانی متشکل از اعضا محافل ملیه اکثر ممالک عالم در مرکز روحانی و اداری بهائی منعقد میگردد و دومین باریست که اقدام با انتخاب بزرگترین و عالیترین هیأت روحانی که فی الواقع تاج وهاج نظم اداری بهائی و یگانه حارس و هادی جامعه اسم اعظم بل تنها پناهگاه عالم انسانی است میگردد .

حضور حضرات ایادی امرالله علیهم بها الله نیز در ارض اقدس که بمنظور شرکت در مؤتمری ایادی بحیفاً آمده بودند بر روحانیت و جلال جملات کانوشن افزود چه که نظامت جلسات و هدایت مشاورات نیز از طرف بیت العدل اعظم بعهدہ ایشان محول شده بود . این امر خود از وحدت معنوی مؤسسسه ایادی با تشکیلات نظم اداری بقیادت دیوان عدل اعظم الهی حکایت میکند .

صبح اول عید رضوان نمایندگان محافل ملیه که از نعمت تشریف و زیارت بقاع متبرکه علیا در روزهای قبل از تشکیل کانوشن مرزوق و متنعم شده بودند شاد و مستبشر وارد سالن بیت حروفه شدند . نگاهی بصرف این نمایندگان که هر یک از ملیت و قومی و اقلیم و ملکیتی پس از طی مسافت بعیدہ بارض اقدس آمده بودند و با چهره هلی درخشان و مصمم و روحانی آرام نشسته و با خلوص و روحانیت سراپا گوش بودند انسان را مطمئن میساخت که لحظات الطاف و تائیدات حق معطوف و متوجه این جمع است و هدایت غیبیسه او را همتا و رهبر مذاکرات خواهد بود .

پس از تلاوت ادعیه و مناجاتهای روح پرور بزرگانهای مختلف کانوشن بایانات شیوا و نافذ حضرت امة البهائه روحیه خانم افتتاح شد . مشارالیه با اشاره باوضاع بحرانی عالم که مظاهر آن در همه شعون بشری

از سیاست و اقتصاد تا روحانیت و اخلاق مشهود است خاطر نشان فرمودند که این اجتماع که برگزیدگان جامعه اسم اعظم هستند مسئولیت عظیم روحانی بعهدہ داشته و اظهار امیدواری بموفقیت کامل و حصول نتایج مثبتہ از مشاورات کانونشن فرمودند .

برنامہ کانونشن بنحوی ترتیب داده شدہ بود کہ فرصت بحث و شور کامل برای شرکت کنندگان فراهم بود . ابتدا یکی از حضرات ایادی کہ نظامت جلسہ آن روز را بعهدہ داشت دربارہ موضوع معین حدود سسہ ربع ساعت صحبت میکردند و نطق ایشان بحث و شور را بمسیر صحیح خود میرساند و آنگاہ مذاکرات ششروع میشد کہ ہمہ آنها در دستگاہ ضبط صوت برای مراجعہ و مطالعہ و ترتیب اثر ضبط میشد .

مہترین وظیفہ کانونشن بین المللی انتخاب بیت العدل اعظم جدید بود کہ در همان صبح روز اول عید رضوان در محیط بس روحانی پس از تلاوت ادعیہ و مناجات و استمداد از آستان جمال ابہی بعمل آمدند لحظاتی کہ بسکوت و سکون در حال توجہ و تذکر گذشت وصف ناپذیر است . نتیجہ انتخابات نیز روز دوم رضوان اعلان شد آن روز روزی تاریخی و بس پرهیجان بود . ہمہ حضار با احترام رجال بیت العدل اعظم بپا خاستہ و قلب جمگی مالا مال از سرور و شکرانہ بدرگاہ محبوب یگانہ بود . هنگامیکہ اسامی اعضا جدید الانتخاب قرائت میشد یک یک بوقار و طمأنینہ بہ صحن کفرانس وارد شدند تا آنکہ نوبت بہ نفر نہم یعنی عضو جدید جناب دکتر داوید روہہ David Ruhe کہ در آخر سالن نشستہ بودند رسید و آرام و متین بسائرن منضم شدند . در این موقع شور و سرور بحد نہایت رسیدہ بود و اشک شوق از دیدگان بعضی جاری بود . یاران افریقا ہم بموقع بسرودن و ترنم نغمہ اللہ ابہی اللہ ابہی پرداختند . . . در آن دقایق تاریخی در حالی کہ اعضا محترم بیت العدل کہ از چہرہ نورانیشان نضرہ نعیم مشہود بسبود خاضعا متحدا در صحن جلسہ ایستادہ بودند ناگہان در عالم اندیشہ بمسئولیت عظیم و ثقل فادحی کہ برعہدہ این ہیأت مقدس نہادہ شدہ فکر میکردم ولی بلافاصلہ بیاد آوردم کہ این جمع برگزینسدہ موعود بالہامات الہی و مضمون از کل خطا میباشند . حمد محبوب ابہی را کہ با خلق و تاسیس این بنیان اعظم وحدت جامعہ را محفوظ و ہدایت مستمرش را متوجہ و شامل جامعہ " اہل بہا " فرمود ولکن شکرانہ " ما چگونه این نعمت عظیم را سپاس تواند کرد ؟

باری ہنوز غرق سرور و حبور استماع اسما اعضا بیت العدل جدید بودیم کہ ایادی ارجمند و گرانمایہ امراللہ جناب اینوک الینگا با روشی گشادہ و تبسی فاتحانہ وارد سالن شدند و ہمراہ ایشان جمعی دیگر از یاران کہ از کشورہای مختلف شرق و غرب بودند نیز تشریف آوردند . البتہ جریان تشکیل کانونشن بہائی را رادیوی اسرائیل ہم در برنامہ عبری و ہم بزبانہای دیگر (منجملہ عربی) پخش کردہ بود و جرائد معروف اسرائیل منجملہ روزنامہ معتبر Jerusalem Post ہم شرحی وافق در خصوص ہدف تشکیل این مو " تمر نگاشتنہ بودند .

و اما لذت معنوی استماع نظرات صائب و سنجیدہ نمایندگان محترم جامعہ جهان آرای بہائی کہ کسل حکایت از اخلاص صمیمیت عمق ادراک حقایق امریہ و عشق وافر بخدمت و انجام مہمات و وظائف روحانہ مینمود در سہائی گرانبہا بنگارندہ بمقدار این سطور داد . علاوہ برجستات رسی روزانہ کانونشن ہسر شب سہ گروہ مختلف بریاست یکی از حضرات ایادی مجتمع شدہ و راجع بہ مسائل سہ گانہ " تبلیغ دستہ جمعی " " جوانان " و " تبلیغ در اروپای شرقی " مذاکرہ و بحث مینمودند . رہبسی گروہہای مزبور را بترتیب جناب الینگا و ویلیام سیرز و دکتر مولشلگ بعہدہ داشتند ولی سائر حضرات

ایادی و اعضاء بیت العدل اعظم هم در آن شرکت می جستند .  
قلم از ذکر احساسات روحانی سخنوران که در حین بیان نظریات و مطالب خود ابراز میداشتند قاصر است  
و بهتر آنکه فقط رئیس اهم مطالب را و آنچه از مجموع مذاکرات و مشاورات چند روزه بخاطر مانده است  
بنگاریم .

۱ - دایره و نطاق امرالله در اقطار عالم رومسخت است و در اکثر نقاط جهان بر قوت و اشتهاار جامعه  
بهای مستمرا افزوده میشود . تعداد صدقین همچنان رو بفرزونی است و این افزایش بخصوص در سه تاره  
آسیا افریقا و امریکا محسوستر و مشهود تر است چنانکه در هندوستان عدد بهائیان از ۲۵۰ هزار در فیلیپین  
از ۲۲ هزار در سیکیم از ۵ هزار - در کره از ۶ هزار - در یوگاندا از ۵۵ هزار و کنیا حدود ۵۰ هزار  
بلیویا ۱۲ هزار و بلیز Belize و هندوراس انگلیس واقع در امریکای مرکزی از ۶۰ هزار نفر تجاوز کرده است .  
هر چند که بعضی سابقا معتقد بودند که برای تحکیم و تقویت افراد جدید سرعت امر تبلیغ را مدتی بایست  
کم کرد ولی در این کانونشن یکبار دیگر تأیید و تأکید گشت که بساط تبلیغ در هر حال باید بفرموده \* قلم میثاق  
گسترده باشد و سکون و رکود و توقف بهر عذر و بهر دلیل مردود شناخته شده و بموازات تبلیغ امر تحکیم  
و تقویت بنیه ایمانی و تزیید معلومات و معارف امری باید پیش رود - مبلغین سیار در عین تبلیغ میتوانند  
نقش تعلیم را بعهده داشته باشند و در عمل نیز چنین بوده است .

۲ - گوا اینکه بذل مال و اهدای تبرعات گرمانه احباب جانفشان در اقطار جهان بصندوق های محلی ملی  
و بین المللی شایان تحسین و در حد فداکاری بوده معینا هنوز جوابگویی احتیاجات مبم و فوری جامعه امر  
نیست . برای خرید و تملک حظائر قدس ملی مؤسسات تبلیغی در مناطق تبلیغ دسته جمعی مدارس  
تابستانه و سائر مدارس بهائی زمین مشرق الاذکار و موقوفات و همچنین ترمیم و توسعه اماکن مقدسه در  
ارض اقدس و توسعه حدائق زیبای آن مبالغ هنگفتی ضروری و مخارج فراوانی را در بردارد . ضعف بنیه  
مالی بطور مستقیم موجب تعمیق امر تبلیغ میشود چنانکه در بلیویا که با ۲۰ دلار در ماه میتوان یکی از احباب  
بوی را بعنوان وکیل بمنظر تبلیغ در نواحی دور و نزدیک و بخصوص مناطق صعب العبور کوهستانی گسیل  
داشت متأسفانه بواسطه همین امر تعداد اینگونه مبلغین گویا از ۱۰ نفر تجاوز نکند و حال آنکه این  
کشور احتیاج به ده ها مبلغ سیار محلی دارد .

۳ - هر چند تا کنون گروهی کثیر از یاران بحشق خدمت قدم در میدان هجرت گذاشته و در سرتاسر گیتی  
بمبارزه معنوی مشغولند و هر روز بیروزی جدیدی نائل میگردد ولی هنوز عدد این خدام و سربازان این  
میدان محدود است . این امر گاهی باعث محدودیت میزان موفقیت تبلیغی میگردد . من باب مثال از یکی  
از مهاجرین مخلص ایرانی که در کشور بلیز ساکن است در خارج از جلسات کانونشن شنیدم که در یک سفر  
تبلیغی که بهمراهی یکی از بهائیان به قبائل بومیان سرخ پوست نموده بودند پس از آنکه مستمعین نطق  
ناطق را شنیدند و بحقیقت امری بردند در یک صف طویل ایستاده و آمادگی خود را برای تسجیل بدین  
طریق اعلام داشتند . این دو مهاجر بهائی عزیز هم در زیر آفتاب سوزان مشغول ثبت نام و هویت و نشانی  
و محل سکونت آنها شدند ولی چون عدد آنها زیاد بود و نور آفتاب هم شدید و طاقت فرسا متأسفانه  
نتوانستند بیش از نصف آنان را تسجیل کنند . زیرا عده ای که خسته و فرسوده شده بودند و ضعیف و  
نا توان بودند قدرت ایستادن و ماندن بمدت مدید را نداشتند و حال آنکه اگر چند نفر بهائی دیگر هم  
بود عدد مسجیلین بیشتر میبود . از اکثر نقاطی که تبلیغ دسته جمعی در جریان است عین همین داستان  
یا مشابه آن را میشنیدیم که متأسفانه حکایت از قلت عدد مهاجرین و معلمین و مبلغین میکند بخصوص در -



هندوستان و لیبیا و افریقا ضرورت سفر مهاجرین بیشتر محسوس است چه که میادین تبلیغ وسیع و اراضی مستعدہ قلوب با اندکی کند و گاش و افشاندن بذرهای معرفت بنهال های برومند ایمان آراسته و مزین میگردد .

۴ - نقش جوانان در پیشرفت نظم و مشارکت آنان در جمیع خدمات امریه از تبلیغ و هجرت گرفته شده تا تعلیم و شرکت در دوائر تشکیلات مورد توجه خاص قرار گرفت . چند تن از نمایندگان حاضر در کانونشن خود از زمره جوانان بودند . مثلاً یکی از اعضا محفل ملی افریقای جنوبی جوانی بسن حدود ۲۲ و یکی از روز ۲۳ ساله از انگلستان ۲۶ یا ۲۷ و دیگری از استرالیا هم در همین حدود حضور داشتند . از مجموع مذاکرات کانونشن و گروههای فرعی آن بخوبی استنباط میشد که جوانان بهائی در قاطبسه ممالک نقش مهمی را در تحکیم و توسعه مؤسسه سسات نظم بدیع و بخصوص در امر تبلیغ خواه فردی و یا دسته جمعی و ابلاغ و اعلان امر در دانشگاهها بوسیله خطابه یا تشکیل کلوب بهائی باری میکنند چندان که موجب تشویق سائر رفقای جوان و حتی احباء بزرگسال میگرددند . این جوانان فداکار با سرمایه سادی اندک ولی با قلبی که از گنجینه حب جمال ابهی غنی و گرانبار است دائماً در سیر و حرکت تبلیغی در قطعات پنجگانه عالم بلکه در اقیانوسها و جزائر بوده و در اتمام و اکمال اهداف نقشه نه ساله بوضوح هر روز بفتح و وظفیری جدید نائل میشوند .

۵ - نطق های حضرات ابادی امرالله که در ابتدا هر جلسه کانونشن برسبیل مقدمه و افتتاح مشاوره ادا میگرددید هر چند بیش از سه ربع ساعت طول نمیکشید ولی فی الواقع رهنمای کامل و محور مذاکرات بود . جناب فروتن با اسلوب جالب خود بحق جامع در خصوص تضاد و کشمکش ظلمت ضلالت با نور هدایت نموده و شرحی در باره اقدامات ناقضین برای هدم بنیان مبین عهد و پیمان و خسران نهائی آنان بیان داشتند و همچنین اشاره فرمودند که مخالفت های اصحاب سیاست و روحانیت در نقاط مختلف عالم بالمآل موجب اشتها و نصرت امر است نه تضعیف و شکست آن . جناب فیضی راجع به تعلیم و تربیت بهائی و ضرورت آغاز آن از اوان صباوت در کانون خانواده بسطت مقال داده و این حقیقت را بار دیگر تبیین و تصریح فرمودند که این تعلیم و تربیت در کودکی تبیین و تضادی با اصل تحری حقیقت ندارد . این سوء تفاهم که متأسفانه در بعضی ممالک غربی سابقاً باعث محرومیت ایمانی بعضی از بهائی زادگان میگرددید بتدریج بر طرف میشود .

" حیات بهائی " موضوع بحث جناب قدرستون بود که با روحانیت و بیانی بس دلپذیر یکبار دیگر از همان را معطوف و متوجه اهمیت نقش اساسی تخلق به اخلاق روحانیه و اتخاذ حیات بهائی و اجراء قوانین و احکام نمودند .

جناب دکتر جیاگری بحنی تاریخی و تحقیقی در باره مرکز جهانی امر ایراد فرموده و مراحل تدریجی تکامل و توسعه مؤسسه سسات جهانی امر را بیان داشتند . استماع خاطراتی که از دوران خدمتشان در حیفاً در ظل هدایت حضرت ولی امرالله بیاد داشتند بسیار جالب و شنیدنی بود .

باری کانونشن بین المللی ثانی بقیادت و هدایت عالیہ بیت العدل اعظم و نظامت و اداره حضرات ابادی امرالله عظیم بها' الله از هر جهت کامل و از نقطه نظر شرکت علاقمندان نمایندگان و ابراز نظرات صائب و سنجیده آنان براسستی بی نظیر بود . این مشارکت در بحث و شور خاص نمایندگان بسک کشور یا قاره نبود بلکه همه و همه از شرقی و غربی - افریقای و یا استرالیائی صحبت میکردند .

..... خاطراتی از .....

در سال ۱۹۷۳ که انشاء الله کانونشن ثالث جهانی منعقد میگردد بجای ۸۱ کشور ۱۰۸ مملکت که دارای محفل ملی خواهند بود نمایندده اعزام میدارند. از هم اکنون با توجه باافزایش عظیم محافل مجلسی و مراکز امریه در جهان و با تحولات سریعی که امرالله در مرکز جهانی تا سال ۱۹۷۳ بخود خواهد دید میتوان دورنمای مؤتمری بس عظیم تر از کانونشن مجلل اخیر بنظر آورد. تا آن تاریخ " قانون اساسی " بیت العدل اعظم و اصول کلی برنامه و وظائف کانونشن بین المللی تدوین خواهد گشت و جلوه نظم بدیع الهی در سراسر گیتی و مؤسسات جهانی آن در دامنه " کوه کرمل و در مرچ عکا بارزتر و نمایانتر خواهد گردید .

همه نمایندگان این دوره در روضه " مبارکه محبوب ابهی و مقام مقدس اعلی و سائر اماکن متبرکه " علیاً از صمیم قلب دعا کرده و دست نیاز باستان محبوب و مقصود یکتا بر آوردند تا کاروانهای مدینه " عشقش که در بادیه های حب خدمت و عبودیت در حرکت و جولانند هر چه زودتر بسر منزل مقصود رسند و انفراد بهائی که حامل امانت پیام وحدت و صلح عام الهیه در هر مرز و بوی هستند بغایت آمالشان نائسل گردند .

# فلورانس بریدجان



از کتاب عالم ہائے  
بقلم فریڈرک گیل

فلورانس صبیہ فرانسیس برید یکی از کارخانہ داران معروف نیوانگلند بود کہ دوران طفولیت خود را در املاک خانوادگی واقع در لین - ماساچوستز گذراند . بعد از آنکہ تحصیلات خویش را در بوستون و نیویورک پبایان رسانید بہ اروپا مسافرت نمود و پس از چندی با آمریکا مراجعت و زندگی اجتماعی خود را در خانہ میسز پوتر پالمر آغاز کرد . در آن ایام جراید از او بسبب زیبائی و حسن منظری کہ داشت توصیف فراوان مینمودند . وقایع حزن انگیزی کہ در اوایل زندگی برای فلورانس پیش آمد از جملہ نامزدی او با فیلیپ هنری سوپج در حالی کہ ہی در بستر مرگ افتادہ بود و از دست رفتن مایملک و ثروت پدرش افکار او را بہ مسائل جدی معطوف داشت . در مکتب تصوف بمطالعہ پرداخت نوسندگی آموخت و قدم در عالم هنر نهاد و در خلال همین احوال با ماری هانفورد فورڈ خطیب و منقد معروف آشنا گردید . در این هنگام خانم فورڈ کہ در گرین ایکس در جلسات درسی کہ بوسیله جناب ابوالفضائل و جناب علیقلی خان ادارہ میشد شرکت میکرد بفرزایمان بامرالله نائل شدہ بود .

خانم فورڈ در بوستون علیقلی خان را بہ خانوادہ برید معرفی نمود . علیقلی خان اولین بار کہ قدم بسالسن پذیرائی بانو برید گذاشت مہفتون و مجذوب تابلوی نقاشی زیبائی شد کہ تصویر زنی نیکو رخسار بر آن منقوش بود و چنین پنداشت کہ نقاش زیباترین زن ایدہ آل و تخیلی خویش را در این تابلو مجسم و مصور ساختہ است ولی دیری نگذشت کہ علیقلی خان با صاحب تصویر ازدواج نمود . هنگامی کہ خبر این اقتراں بارض اقدس رسید حضرت عبدالبہاء آن را جشن گرفتند و بہ فلورانس نام روحانیہ عنایت فرمودند و چون اولین کودک آنان متولد شد حضرت مولی الوری او را اولین ثمر اتحاد روحانی شرق و غرب خواندند . پس از چندی خان با همسر و فرزند خود در راہ مراجعت بایران بحضور حضرت عبدالبہاء در ارض اقدس

مشرف شدند و هیکی مبارک در این تشریف عنایت خاصی نسبت به فلورانس مبذول و مه خان فرمودند الحسب  
فلورانس يك مؤ من حقیقی است .

در ایران خانم خان مجبور بود طبق معمول آن ایام حجاب بر سر کند - آداب و رسم جدید و تغییر آب و هوا  
برای فلورانس دشوار و غیر قابل تحمل بود بطوری که پس از چندی در بستر بیماری افتاد و همه از او دست  
کشیدند . خان ماهها از او پرستاری و مواظبت میکرد و احباء نیز آنچه در قدرت داشتند برای اعاده صحت  
مشار الیها بکار بردند تا اینکه فلورانس بار دیگر سلامت خود را بازیافت و در طول عمر خود هیچگاه محبت های  
یاران ایران را از یاد نمیرد .

فلورانس بعدا به امریکابازگشت و این در موقعی بود که خان بعنوان شارژدافر سفارت ایران در واشنگتون  
انتخاب شده بود . فلورانس اکنون نظریه موقعیت شوهرش فعالیت های درخشانی را آغاز نمود که چندین  
سال ادامه یافت و از طرف شاه ایران ملقب به مروج السلطنه گردید . در این موقع حضرت عبدالبهاء امریکا  
را بقدم مبارک خود زینت بخشیدند و خانم خان توانست بسیاری از شخصیت های سرشناس آن ایام را به  
محضر مبارک بکشاند تا از آن منبع انوار الهی کسب فیض نمایند . هیکی مبارک چنان علاقه و محبتی نسبت به  
افراد خانواده خان داشتند که اجازه فرمودند عکسی در معیت آنان و عکس دیگری با اطفالشان گرفته شود .  
در محفل که بنام " جشن اتحاد " در تاریخ ۲۹ جولای ۱۹۱۲ در وست انگل وود حضرت عبدالبهاء  
شخصا بر پا فرمودند فلورانس نیز افتخار حضور داشت و بیانات مبارک در آن مجلس بوسیله جناب خان ترجمه  
گردید . حضرت عبدالبهاء عید میلاد حضرت رب اعلی را نیز در منزل والده فلورانس جشن گرفتند و در همین  
مجلس هیکی انور با انجام مراسم عقد خواهر فلورانس افتخار بزرگی باین خانواده بخشیدند . هنگامی که  
پدر فلورانس سعی مینمود مراتب شکر و سپاس خود را از الطاف مبارک و محبت هائی که آن حضرت هنگام تشریف  
فلورانس در ارض اقدس مبذول فرموده بودند ابراز نماید حضرت عبدالبهاء فرمودند " تشکر برای چیست  
همه اعضای عاقله من هستند " ( ترجمه )

فلورانس در آخرین روز اقامت مبارک در امریکا موقعی که احباب در کشتی مشرف بودند جز و مشایعین بودند  
و آخرین بیانات مبارک خطاب به یاران امریکا بوسیله جناب خان ترجمه گردید .  
حضرت عبدالبهاء دو نکته رابه فلورانس آموخته بودند که غالبا آنها را بفارسی تکرار میکرد . یکی اینکه  
میفرمودند " صبر کن ، مثل من باش " و دیگر اینکه اگر کسی در حضور مبارک کلام یأس آمیزی بر زبان میآورد  
و فی المثل ابراز نگرانی کرده میگفت که کسب کمالات و خلق و خوی بهائی واقعی بستیار صعب و دشوار است  
میفرمودند " کم کم - روز بروز "

بعد از جنگ بین المللی اول دکتر خان بسمت عضو هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح و رسای منسوب شد  
و دوران اقامت او و همسرش در پاریس شاید نقطه اوجی در زندگی رسمی خانم فلورانس بشمار میرفت .  
در این موقع حضرت عبدالبهاء بیخام فرستادند که نوه مبارک حضرت شوقی ربانی که عازم دانشگاه اکسفورد  
هستند در پاریس توقف خواهند فرمود لذا خانم فلورانس بافتخار میزبانی حضرت در موارد مختلفه نائل گشت  
و آن مظهر عطف و محبت بیاس این خدمت یکی از پیراهنهای مبارک حضرت عبدالبهاء را باین خانواده عنایت  
فرمودند .

موقعی که دکتر خان مقام سفارت ایران در قسطنطنیه را احراز نمود خانم خان توانست نقش اجتماعی براهمیت  
خود را ایفا نموده دامنه خدمات خویش را وسعت دهد . مفتی زیدک ضیاء بیگ نویسنده ترك در کتاب خود

بنام " سخنانی چند درباره ترکها " توضیح میدهد که چگونه خانم فلورانس و همسرش برای بسط و توسعه تفاهم بین المللی سعی و مجاهدت مینمودند :

" تنها ضیافتی که بخاطر دارم . . . که در آن از نمایندگان رسمی و رجال سرشناس جمیع ملل دعوت شده بود ضیافتی بود که سفارت کبرای ایران به افتخار ولیعهد آن کشور ترتیب داده بود . این موفقیت آمیزترین ضیافتی بود که در آن سال در قسطنطنیه برپا شده بود . نماینده ایران با شجاعتی تمام تصمیم گرفتند بود از کلبه نمایندگان بدون توجه به ملیت و موقعیت سیاسی آنها دعوت نماید و با کاردانی و مهمان نوازی کامل خود و همسرش در منتهای قدرت از میهمانان مراقبت و در وضع مجلس نظارت کامل مینمود . ما همیشه مترصد و هراسان منتظر بودیم ببینیم چه وضعی پیش خواهد آمد . . . خانم سفیر لباس درباری پروردی دوری زیبایی خود را بر تن کرده با وجاهت غیر قابل توصیفی که همه را مجذوب مینمود بما تهنیت میگفت . "

این نویسنده در پایان نوشته خویش اضافه مینماید :

" این میزبانان بخود جرأت داده سعی کرده بودند جمیع نمایندگان ملل مختلفه را که هنوز در حال جنگ بودند و تا آنوقت قرارداد صلحی بین آنها منعقد نشده بود در محفلی مجتمع سازند و در این امر موفقیت شایانی نیز حاصل نمودند . "

ولیعهد آن زمان ایران ریاست دربار خود را به دکتر خان سپرد و او را همراه خود به ایران بازگرداند . در همین وقت بود که جانگدازترین ضایعه و اسف انگیزترین واقعه در زندگی آنان رخ نمود . دکتر خان در راه بازگشت به ایران و خانم فلورانس هنوز در استامبول بودند که بختی صعود حضرت عبدالبهاء واقع شد . طولی نکشید که الواح وصایائی که آن حضرت از خود بجای گذاشته بودند زیارت و معلم شد که امرالله بدستی توانا و مطمئن سپرده شده است و از آن ببعد لغتی بقاموس بهائی اضافه گشت : " ولسی امرالله " . فلورانس اولین سواد موجود از الواح مبارکه وصایا را شخصا از راه قفقاز به ایران آورد . احباب با کدو تمام شب را به استنساخ این الواح پرداختند تا فلورانس بتواند صبح روز بعد با امانت خود به ایران عزیمت نماید .

دکتر خان پس از آنکه چندی سمت پیشکاری نایب السلطنه را بعهده داشت بعنوان وزیر مختار دولت ایران در جماهیر پنجگانه قفقاز به منسوب شد و در سال ۱۹۲۴ خانواده خان به کشورهای متحده امریکا بازگشتند و در بین راه در حیفاف بشف لقای حضرت ولی مقدس امرالله نائل گردیدند .

بیست سال آخر حیات خانم فلورانس خان توأم با سختی ها و وقایعی حزن انگیز گذشت تا اینکه در ۲۴ ژوئن ۱۹۵۰ که جشن اتحاد مجدد ادوینو جرسی منعقد شد و او نیز در آن اجتماع شرکت داشت بدون آنکه هیچگونه آثار درد ورنجی در او آشکار گسرد غفلتا بملکوت ابدی صعود نمود و بدین ترتیب آخرین لحظات حیات پر ماجرای خود را در محل و موقعیتی که خاطره حضرت عبدالبهاء آن را مقدس و مبارک ساخته بود سپری نمود و در حالی که دوستان و یاران بر بالینش مجتمع و یکی از احباب مناجاتی تلاوت مینمود :

اَرْجِهَانْ خَاكْ يَا بَعَالَمْ اَفْلَاكْ نِهَادْ .

در نیویورک محل اقامت اخیر فلورانس مراسم تشییع جنازه آن امه موقنه با تجلیل فراوان و شرکت جمعی گنیزاز یاران بعمل آمد و جسد او در آرامگاه خانوادگی برید در لاین بخاک سپرده شد . یکی از دوستان کاتولیک امریکائی نیز در این مراسم آئین مذهبی مسیحی بجای آورد و در مرگ فلورانس مرثیه ای انشاء کرد و در طهران سردبیر روزنامه ایران ستونی چند از نشریه خود را بدرج شرح حیات او اختصاص داد . هیگل مبارک حضرت

# نامه تاریخی

صورت مکتوبی که جناب ایادی حاجی میرزا حیدر علی  
علیه بهاء الله الابهی به عشق آباد مرقوم فرموده اند

سنه ۱۳۲۱

عکا بتاريخ ۱۹ ماه جمادی الثانی

بسم الله الاقدس الاعز المحبوب

هویتی و حقیقتی لذکرکم و حضورکم و لکل من فدی بکلیته لميثاق الله فدا  
حقیقتا برای فانی عالم عالم اسف و روسیاهی و جهان جهان خجلت و انفعال  
و تباہکاری حاصل است چه که نفوسی که بعد از فانی زمانا بایمان و اقبال  
و ایقان فائز شدند رتبه و مقاما بشأنی سبقت گرفتند و تقدم جستند که فانی  
تراب رمستان را باید زیارت نماید و طواف کند و وسیله \* تقرب الی الله  
نماید ولو او تعالی و تقدس یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است ولی معطی  
کل ذی حق حقه است بصرف فضله الاسبغ الاقدم وجود اسمه الاعلی الابهی  
الاعظم ولی لابد فانی را عظمی و آایشی از این فیض فضل محروم نمود و چه  
انقطاع و توجهی و توکل و توسلی جوهر آن جواهر مجرد ظاهر فرمود و نورانیت  
و رحمانیت و صداقت و خلوص و محبت و عبودیت و استقامتشان را ابد ا سر مدا  
مری عالم و مرقی ام و هادی عباد نمود استل الله تعالی ان یحشرنی و یبعثنی  
فی ظل لواء الميثاق مفرهم و مستقرهم انه هو المحبوب المقصود لا اله الا هو  
البهی الابهی از یوم اشراق نیر آفاق و در طلوع آفتاب عبودیت لا شبه لهای  
مرکز ميثاق همواره از تلویح و گاهی صریح بیاناتهما روح الوجود لوجودهما الفدا  
موجود و مستبشر و منتظر چنین ضوضاء و غوغائی بودیم ایکاش این باشد و از بعد  
فته بخودشان برگردد و مخصوص قبل از ظهور این مصائب که حقیقتا رغائب

و مواهب است فرمودند بلائی عنایتی ظاهره نار و نغمه و باطنها نور و رحمة مکرر فرموده اند بانواع بیانات خدا این اجتماعات فوق العاده را از فتنه و فساد حفظ فرماید یزد فتنه بزرگی در برده دارد در ایران فسادى خواهد شد حتی بمرات فرموده اند قبل از ظهور فتن فکرم مشغول است بحوادث واقعه در ایران و از محرم این سنه ولو در ظاهر بشأنی مسرت و حبور بین احباب اظهار فرموده اند که کل را زنده و مسرور نموده اند ولی نه یکمرتبه بلکه بکرات و مرات دور روز سه روز چهار روز نه چیزی میل فرموده اند و نه استراحت فرموده اند الی الصباح گاهی بسر و نجوی و وقتی جهره ناله داشتند حتی من فی سرادق القدس هر چه ناله و زاری نموده اند که اقل اقوتی میسر فرمایند کمتر قبول فرموده اند حتی بعضی اوقات وسائط فیض و شفعاى فضل از شدت استیصال و کثرت میل بسرور مبارک از مثل فانی تدبیر و توسل خواسته اند و بکرات و مرات متوسل شدم مثل اینکه چند شب چون حزن مبارک را از حد افزون شنیدیم حضرت میرزا یونس خان روحی فداه فرمودند مشرف شو و اذن بخواه ضیافتی نمائیم و همه طائفین لوح مبارک یا کافی را به نیت فرج احباب ایران بخوانند مشرف شدم و معروض داشتم و اذن فرمودند و اذن مشرف شدن جنابان خان و آقا سید مصطفی و آقا میرزا عبد الوهاب و آقا میرزا ارسطو و نفوسی روحی فداهم را فرمودند و چون بمشول فائز شدند مدتی ثمرات شهادت را فرمودند فرمودند در امور دنیا هم اگر خون ریخته شود مظلوما علت ترقی میشود و سدره مبارکه از دما شهاده سقایه شده و میشود و حریشان را فرمودند بجهت این است که چرا این موهبت و این اکیسل جلیل بافتخار عبد البها مقرر نشد و از این اذکار جهره مبارک برافروخت و انار سرور و بهجت و انوار حبور و نثرت از وجهه وجه باقی بعد فناه الاشیا ساطع و لامع شد که مشرفین بحقائقهم و وجدانهم شهادت را آرزو نمودند و در خواست کردند و در ظاهر هم همه بی اختیار تبسم می نمودند و اگر محضر مبارک نبود البته سرورشان به قهقهه میرسید و فرمودند آنچه مأمور و مکلف بوده ام عمل کرده ام بیاناتی از بنای حظیره القدس و مشرق الانکار عشق آباد و ثبوت و استقامت بنندگان جمال مبارک فرمودند و شکر و مسرت فرمودند و بشارت ظهور رجالی که چشم عالم و گوش ام استقامت و فداکاریشان را ندیده و نشنیده ... و بعد بیاناتی فرمودند که منتهی شد به رجسال بیت العدل که حال حکمه محفل روحانی است و باید عموم نفوسی را معین نمایند و آن منتخبین برای محفل روحانی فوق نفوسی را مشخص نمایند تا منتهی گردد به یک بیت عدل اعظم که بر کل حاکم است و از محفل سفیر گرفته تا هر جا برسد کثرت آراء را باید متابعت نمود و پنج نفر حکمی بنظرشان میرسد و چهار نفر حکمی دیگر بعد از گفتگوی بمحبت و تحقیق و تدقیق بایسد

..... نامه تاریخی .....

آن چهار نفر رأی پنج نفر را تصدیق نمایند و به حقیقت اذعان کنند و هر نفسی مخالفت کند مخالفت جمال اقدس ابهی را کرده و سه مرتبه بتغییر عبارت فرمودند هر نفسی مخالفت کند مخالفت حق کرده و كذلك دو سه مرتبه قسم یاد فرمودند که اگر بر ضرر من حکم کنند حتی در امری باشد که بدانم علاوه بر اینکه بر ضرر من است اشتباه نیز هست باز اطاعت می نمایم فرمودند مرکز میثاق الله - مروج احکام الله و مبین کتاب الله و حافظ امر الله و رافع لوا' توحید است شاریت ندارد ولی رجال بیت <sup>ع</sup> اعظم شارعند و بیت عدل مصون از خطا و زلل یعنی تحت صیانت و حفظ جمال احدیست است زیرا که او فرموده کل باید اطاعت کنند و او فرموده ملهمنند بالهامات غیبیه و او فرموده تحت صیانت حق علیم قوی قدیرند ... مخالفت آن مجمع مخالفت حق است ...



اعضای تشکیلات جوانان بهائی طهران نو



# عید گل

قسمتی از یک منظوم بخش غزلیب لاهیجان

عید گل شدای ساقی هی باده بعینا کن  
از خمر صفایم مست و محو و شیدا کن  
تا زَم در آن گلزار نغمه های روحانی  
از باد سیحادم خاک مرده شد زنده  
از آب بقا آدم یافت روح باینده  
بلبلان حواری سان مشغول غزلخوانی  
همجو صور اسرافیل رعد میکشد ناله  
زان شعله خرمین سوز سوخت جان هر لاله  
این چه درنا سفته آن چو لعل رمانی  
باز آی و گلستان بین جا گزیده از هر سوی  
گلرخان ریحان خط دلبران سنبل سوی  
با نغمه جانپسور با باده نورانی  
زان باده نورانی کوه و دشت و دریا مست  
زان شراب یزدانی کعبه و کلیسا مست  
جمله مست و مخمورند از جذبسه رمانی  
این بشارت جانبخش ذکر اهل امکان است  
بی برده عیان در ملک شمر وجه سبحان است  
با طلعت ابهائی با شوکت سلطانی



## گفتگونی با جناب اشراق خاوری

اشراق خاوری نام آشنائی است که هیچ لقب و عنوانی نمیتواند حق معرفی مقامش را بجسای آر د او مردی است وارسته که چهل سال از عمر عزیز خود را به انتشار و توسعه معارف امری گذرانده است دیر زمانی است که در اعماق دریای بیکران آثار و آیات الهی غوطه ور گشته تا گهرهای درخشان علم الهی را آسان و رایگان در اختیار طالبان حقیقت قرار دهد .

.....

اینک خوانندگان عزیز میتوانند از طریق قرائت این مصاحبه دقایق چند با جناب اشراق خاوری ملاقات و گفتگو نمایند .

اینجا اطاق پذیرائی منزل ایشان است . آنچه در اطاق جلب توجه میکند صندلیهای بسیاری است که در اطراف دیوار چیده شده و حاکی از مهمانداری دایمی و مهمان نوازی صاحب منزل است . دیوارها با تابلوهای نقاشی تزیین شده و گوشه و کنار بعضی آثار و عکسهای قدیمی نمایان است . جناب اشراق خاوری باین اطاق کنار میزی نشسته اند و با سیمای متین و تبسعی شیرین

منتظر شنیدن سوالات میباشند .

.....

شما تا کتون چند کتاب تألیف کرده اید؟

متجاوز از سی جلد . البته اگر مجلدات هر دوره را حساب کنید مثل مائده آسمانی که نه جلد است .

نظر شما درباره مطبوعات امری چیست ؟

مطبوعاتی که در جریان است مدت مدیدی است که در وضع و حالتی ثابت باقی مانده تغییرات محسوسی ننموده است . بارها مسائل و مطالبی که فضلی قدیم امر مشروحاً نوشته اند تکرار میشود و درباره یک موضوع واحد فی العثل خاتم النبیین و اشغال آن بکرات توضیحاتی نگاشته میشود . در حالی که دنیا منتظر مطالب جدید با سبک نگارش نوین است . در این ظهور اعظم که امر بدیع است دور بدیع است نظم بدیع است و مظهر ظهور به هیكل عالم لباس تازه پوشانده و جهان را به نظم بدیع آراسته همه چیز منجمله مطبوعات نیز باید بر اساس تازه و بنیان جدید استوار باشد . حتی شکل ظاهر مطبوعات هم باید با سیر تکامل و تجدد زمان پیش رود مثلاً نشریه اخبار امری بهتر است در عناوین مطالب و وضع ظاهر و نوع نگارش اخبار روش تازه پیش گیرد . در نشریه آهنگ بدیع هر چند تجدد و تازگی و پیشرفت مشاهده میشود ولی باز جسا دارد بیش از این نمودار بدعیت این امر بدیع باشد . نویسندگان و شاعران و مؤلفین باید سعی نمایند ابتدا طرح تازه ای بریزند اساس بدیع و بی سابقه ای بنا کنند و جنبه جدیدی ایجاد نمایند و سپس بنگارش بپردازند آنچه توسط علما و فضلاء اولیه امر چه در قسمت های تاریخی چه استدلالی تدوین و تهیه شده همه در زمان خود بیسابقه و بدیع بوده است ولی تکرار همان مواضع با تقلید همان روش پسندیده نیست زیرا در این امر هم مطالب و مسائل بدیع بسیار است و هم روش جدید بمقتضای زمان .

شما دانش و معلومات خود را از چه طریقی کسب کرده اید ؟

من از پنج سالگی شروع به تحصیل کردم . خانواده ما جد اندر جد همه از علماء بودند با در نظر گرفتن طریقی اکتساب علم در ۶۰ سال پیش من در مکتب خانه مقدمات علوم دینی و علمی را فرا گرفتم و بعد در نزد اساتید مختلف به تحصیل صرف و نحو و فقه و اصول و معانی و بیان و جزآن پرداختم و چهل سال پیش که وارد مرحله امر شدم مطالعاتم را در ظل معارف امریه دنبال کردم و هیچگاه از تحقیق و تفحص و مطالعه باز ننشستم .

چه مسافرت هایی کرده اید ؟

قبل از تصدیق به مسافرت های تحصیلی رفته بودم و بعد از تصدیق در سال ۱۹۳۶ چون اجازه تشریف داشتم بعزم ارض اقدس حرکت کردم هنگامی که بدمشق رسیدم تلگرافی از هیكل مبارك رسید که برای ابلاغ کلمه الله عازم سلیمانیه شوم . در سلیمانیه پس از سه ماه اقامت به اذیت و آزار من پرداختند و بعدها فرمان قتل صادر شد و بالاخره مرا تبعید کردند ناچار کسب تکلیف نمودم فرمودند " به ایران برگرد و به تبلیغ مشغول شو "

..... گفتگوشی با .....

حسب الامر به اکثر نقاط ایران سفر کردم . سالهای اخیر هم برای شرکت در کفرانسمها  
به هندوستان و جاکارتا و لندن رفتم .  
آیا ممکن است يك خاطره شیرین تبلیغی بیان کنید ؟  
مسافرتهاى تبلیغی من مملو از خاطرات است شرح آنها بقدری مفصل است که اکنون بسه  
اختصار نمیتوان بیان کرد . اگر آنها را جمع آوری کنم خود کتابی جالب میشود .  
پس شرح تصدیق خود را تعریف کنید .  
من شرح تصدیق را در نواری مشروحاً ضبط کرده ام . اگر بخواهم بازگو کنم ۸ ساعت بطول  
خواهد انجامید .

آیا هیچ عکس تاریخی که برای خوانندگان نشریه جالب باشد در دسترس دارید ؟  
من از چهل سال پیش که بهائی شدم عکسهائی با احبای دارم ولی اینها که هنوز تاریخی  
نشده است اما البومی حاوی عکسهائی قدماى امر دارم که در موقع خود منتشر خواهد شد .  
چه الواحی به افتخار شما نازل شده است ؟  
الواح من عبارت از جواب سوالاتی است که از هیکل مبارک حضرت ولی امرالله نموده ام  
و در مائده آسمانی مندرج است .  
در حال حاضر به اجرای چه وظیفه امری مشغولید ؟

به حسب امر محفل مقدس ملبسی مشغول تهیه قاموس ایقان میباشم . هشت ماه پیش شروع  
کردم و احتمالاً یکسال دیگر تمام خواهد شد .  
چه پیامی برای خوانندگان آهنگ بدیع دارید ؟

هر چند احبای الهی و جوانان عزیز همگی بوظائف خود واقفند ولی باز تأکید کنید که  
مسائل مختلفه امری را عمیقاً تحقیق و مطالعه کنند . هیکل مبارک حضرت ولی امرالله صریحاً  
دستور عمومی تعیین فرمودند که همه باید کتب امری را بخوانند و بفهمند و یادداشت  
کنند و بموقع استفاده نمایند و کتب آسمانی و عقاید و رسوم اقوام را بشناسند و اینها  
حاصل نمیشود مگر با مطالعه کتب و مدارک معتبر و اسناد مورد اعتماد وثقه . اگر فرمان  
مطاع هیکل مبارک عمل شود هر فردی دانشمند کاملی میشود .

.....

بیانات شیوای جناب اشراق خاوری بقدری مختصر و مفید و متین بود که در زمان کوتاهی  
بایان یافت و من نیز فرصت را بسایر احبائی که انتظار ملاقات ایشان را میکشیدند سپردم .



## گروه «داون بریکرز»

نوشته: ا. پهلوی

در این روزگاران که عشاق جمال جانان در اقصی نقاط جهان جمله بپا خاسته اند تا ساکنین کسره خاک را موده وصال دهند هر سو که بنگریم قیای عظیم دیدگان ما را روشنی می بخشد . منادیان محبت هر یک بنحوی در این راه گام بر میدارند و بر حسب استعدادات و امکانات خود پیام جانبخش ملکوتی را بسمع جهانیان میرسانند . یکی از نیروی نطق و بیان مدد میگیرد و زبان به تبلیغ میگشاید و دیگری از خرمن معارف امری خویش بر پی نصیبان بهره می بخشد . یکی با ثروت و مکت خود امرالله را نصرت میکند و دیگری که از امکانات مادی بی نصیب است با سرمایه خلوص و انقطاع پیش می رود و یکی چون " هوشمند " جوان حقایق روحانیه را برشته ، تحریر در آورده " آسمان شکافته " پر فروش ترین کتاب مذهبی سال را خلق میکند و باهل عالم عرضه میدارد و دیگری همچون " مارک توبن " نقاش هنر مندی که صیت شهرتش عالمگیر

گشته هنر خویش را وسیله ابلاغ کلمه الله میکند و با نمایش آثار برجسته خود امرالله را به هنر دوستان  
می شناساند. یکی هم چون گارشیا آهنگساز معروف هالیوود ندای امرالله را بصورت امواج ترانه هائسی  
روحبخش بردل و جان عاشقان موسیقی می نشاند و ما زبان دل سخن میگویند.

راس گارشیا Russ Garcia بخوبی دریافته است که با نوای دل انگیز موسیقی ابواب قلوب مردمان  
را بهتر میتوان تسخیر نمود و به مصداق " آنجا که سخن باز میماند موسیقی آغاز میکند " داستان عشق را همراه  
با ارتعاشات اوتار ساز و ترانه های دلنواز بیان میدارد و صاحب دلان را واله و شیدا میسازد تا آنجا که  
آنان را بدنبال خویش میکشاند و در خلوت دل راز نهان آشکار میکند. نوید وصال میدهد از معشوق سخن  
میگوید و کلمات حیات بخشش را بازگو مینماید و آنان را چون خود مجنون روی یار میسازد.

" دان بریکرز " نای است که گارشیا برای گروه خوانندگان و نوازندگان جوان خود برگزیده است. این  
جمع هنرمند برهبری گارشیا خوش قریحه و ارجمند قطعه استرالیا را جولانگاه خود قرار داده اند و هر روز  
در نقطه ای از این دیار انجمن میآیند و بنم طرب ساز میکنند و سرود عشق میخوانند. گهی قایق ها را در  
رودخانه ها بحرکت در میآورند و در حالی که ترانه های ملکوتی میسرینند نظاره کنندگان ساحل را از بهجت  
و سرور سرمست کرده ندای اسم اعظم را بسمع دل و جان آنان میرسانند و زمانی الحان پر حلاوت خود را  
هنگام شناوری در آبهای نقره فام در فضای لایتناهی منتشر میکنند و روی در صومعه ای روحانیون و رهبه  
را اسیر نوای جانفزای عشق محبوب میسازند و مادر روحانی را چنان مبهوت مینمایند که زبان به مدح و ثنا  
گشوده علنا اعتراف میکند که " پیشرفت دیانت بهائی در جهان بی نظیر است "

گروه هنرمند " دان بریکرز " هر بار بنحوی مستمعین را تحت تأثیر کلمات الهیه قرار میدهند. یکبار بصورت  
بازیگرانی در صحنه تأثر ایفای نقش میکنند و روز دیگر کسرتی ترتیب میدهند و در فواصل هر قطعه " جینا "  
همسر گارشیا مستمعین را با یکی از اصول و تعالیم مبارکه آشنا میسازد.

این بلبلان غزلخوان تنها در یکماه بیش از چهل بار در شهرهای مختلفه استرالیا برنامه ها اجرا نمودند  
و اصول و مبادی آئین الهی را بیان داشتند. بهر مکان وارد میشدند جمعی را منتظر خود می یافتند و ساز  
و نوا آغاز میکردند. در کلاسهای شهرداری در سالنهای عمومی - در پارکها - در فضای آزاد - در جمع  
کودکان مفلوج و در مجمع کاتولیک ها هر بار صد ها نفر را از نغمات خود مست مینمودند و آنگاه کلمات بلبسل  
معنوی را بر آنان ارزانی میداشتند و همینکه برخی از این مخموران را عطش مستولی میشد با آنان در گوشه ای  
می نشستند و از کوشر معانی و سلسبیل معرفت الهی سیرابشان مینمودند و آنان را بخلعت ایمان مزین  
میداشتند. در یکی از محافل پس از آنکه ندای اسم اعظم در فضای کلیسیا طنین افکند و نغمات پر شور  
این جوانان هنرمند غلغله ای بپا کرد رئیس کلیسیا را انقلابی درونی حاصل گشت و سو الاتی چند اقامه  
نموده کتاب خواست و در پایان دسته ۲۵ نفری خوانندگان کلیسیا نیز دو قطعه از سرود های مذهبی خود  
را اجرا نمودند. در مجلسی دیگر حاضران با هنرمندان ما همصدا گشتند و اعوات دلنشین ملکوتی را با آسمانها  
فرستادند.

میدان تاخت و تاز گارشیا منحصر باین مجالس و محدود باین محافل نیست. به هر شهری که وارد میشود  
خود را در میان جمعی از مخیرین جرائد و رادیو و تلویزیون می یابد و مصاحبه ترتیب میدهد. مطبوعات او  
را میستایند و از " مطالع الانوار " توصیف میکنند و درباره هدف " آهنگساز و مصنف معروف هالیوود "  
مقالاتی مینگارند. طنین آهنگ های مهیج ساز و آواری که " دان بریکرز " بارها در کانالهای مختلفه

# منابع تاریخ امر بهائی

حضرت الله محمد حسینی

در طی ۱۱۰ سال که از ظهور حضرت باب بیگذرد آثار مقدسه امر بهائی به صدها زبان ترجمه شده و کتب عدیده در خصوص تاریخ و معارف شرع اعظم الهی تألیف یافته که ذکر اسامی آن کتب مجلداتی را خواهد گرفت. بسیاری از مشاهیر مورخین و نویسندگان عصر ما در دو قرن نوزدهم و بیستم واقعات مربوط به امر مبارک را به رشته تحریر در آورده و بدینوسیله نام خویش را جاوید ساخته اند. برای مطالعه تاریخ امر مبارک پس از زیارت دقیق آثار الهیه صادره از قلم جمال اقدس ابهی - حضرت نقطه اولی - حضرت عبدالبها - و حضرت ولی امرالله ( تا آنجا که ممکن باشد ) و تعمق در موفقات نویسندگان بهائی مراجعه به کتب موفقان غیر بهائی از خاورشناسان و دانشمندان جهان ( و تا حدی نویسندگان ایرانی در عصر قاجار ) نیز بی فایده نخواهد بود بخصوص اقرار و اعترافات آنان در مواضع متعدده بر اعظمت امر الهی و جانبازی عاشقان و باسلان عصر رسولی موجب اهتمام و بهجت خاطر هر فرد بهائی است. بی شک بسیاری از موفقات نویسندگان غیر بهائی دارای اغلاط و اشتباهات گیره ای نیز هست و برای استفاده کامل باید آن کتب را با آثار الهیه و تواریخ امر بهائی تطبیق نمود.

## منابع امری

۱ - الواح و آثار مبارکه نازل از اقلام مقدسه مبشر اعظم - شارع اکرم - حضرت عبدالبها - حضرت ولی امرالله که از حد احصاء خارج است و تنها بخشی اندک از آنها مطبوع گشته و انتشار یافته است از جمله مقاله شخصی سیاح و تذکره الوفاء و مفاوضات اثر قلم حضرت عبدالبها و کتاب قرن بدیع God Passes By و رساله امر بهائی - لوح قرن احبای شرق - لوح مبارک ۱۱۰ و ۱۱۱ نازل از کلك اطهر حضرت ولی امرالله را میتوان نام برد. کتاب God Passes By تاریخ مختصر و جامعی است از امر مبارک و بدون شك مرجع و راهنمای جمیع مورخان عالم امر خواهد بود.

- ۲ - تاریخ نبیل زرنندی تألیف میرزا محمد نبیل اعظم که در سال ۱۳۱۰ هجری قمری خویش را در بحر افکند و صعود نمود . نبیل قسمت هائی از تاریخ خویش را در محضر جمال قدم بی خواند و حضرت بهاء الله بی را در اتمام و اکمال آن کتاب تشویق و تائید بی فرمودند . ملخص قسمتی از این کتب بیان واقعه روی شاه توسط حضرت ولی امرالله بنام Dawn Breakers به انگلیسی ترجمه شده است . تلخیص تاریخ نبیل سپس به عربی و فارسی نیز تحت نام مطالع الانوار ترجمه گردیده است ( ترجمه فارسی توسط جناب عبدالحمید اشراق خاوری )
- ۳ - تاریخ ظهور الحق تألیف دانشمند فقید جناب فاضل مازندرانی در نه جلد که تنها جلد سوم آن انتشار یافته است . این کتاب حاصل در حدود چهل سال مطالعه و تحقیق در تاریخ امر مبارک است ( مواردی از این کتاب که با تاریخ نبیل زرنندی مطابق نیست ضمن جزوه ای مذکور و تطبیق شده است )
- ۴ - تاریخ جدید تألیف میرزا حسین خان همدانی دانی جناب صدر الصدور از دانایان احباء . ( نسخه ای از این کتاب را جناب فاضل قائنی تصحیح نموده اند ) اصل فارسی تاریخ جدید تا کنون انتشار نیافته ولیکن پروفیسر ادوارد براون آن را به انگلیسی ترجمه نموده و منتشر ساخته است .
- ۵ - تاریخ بسیار مختصر امر تألیف مسیو دریفوس از احبای فرانسه که بفارسی نیز ترجمه شده و انتشار یافته است .
- ۶ - اقلیم نور تألیف جناب محمد علی ملک خسروی
- ۷ - مجلدات عالم بهائی
- ۸ - تاریخ شهدای یزد تألیف حاج محمد طاهر مالگیری یزدی
- ۹ - کواکب الدریه که دارای اغلاط تاریخیه بسیاری است .
- ۱۰ - نویسندگان و محققان عالم امر و قدمی مخلصین نیز تواریخی نوشته اند که تا کنون منتشر نشده مانند تاریخ حاجی معین السلطنه تبریزی - تاریخ شیخ کاظم سمندر قزوینی ( در شرح احوال عده ای از دوستان ) و یادداشتهای حاجی آقا محمد علاقه بند فائز یزدی - تاریخ مهجور و غیره .
- ۱۱ - کتب شرح حال مبلغین و خادمین و شعرا و ادبای امر مانند مصابیح هدایت تألیف جناب عزیزالله سلیمانی ( که تا کنون ۵ جلد آن انتشار یافته است ) - بهجت الصدور تألیف حضرت حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی - تذکره شعرای قرن اول بهائی تألیف جناب نعمت الله ذکائی بیضائی ( ۲ جلد منتشر شده )
- ۱۲ - تاریخ مختصر امر بقلم نویسندگانه این سطور ( خطی ) قسمتهای از این کتاب با مختصر تخییراتسی در مجله آهنگ بدیع منتشر شده است .

### منابع غیرامری

#### بزرگان فارسی

- ۱ - ناسخ التواریخ مجلد قاجاریه تألیف میرزا محمد تقی لسان الملك کاشانی متخلص به سپهر متوفی بسال ۱۲۹۷ هجری قمری - این کتاب مغرضانه نوشته شده ولیکن در بسیاری از مواضع نویسندگانه غیر



مستقیم بحقایق اعتراف نموده که حائز اهمیت است، حضرت بهاء الله در ص ۱۱۶ کتاب اقتدارات - میفرمایند "صاحب ناسخ التواریخ در باره حضرت اعلی نوشته آنچه را که هیچ زندیقی ننوشته" حضرت عبدالبهاء در آثار مبارکه خوش اشاره میفرمایند که سپهر در آخر ایام نادم و پشیمان شد و در ضمن رساله ای نوشت آنچه در ناسخ التواریخ در خصوص بابیه نوشته ام بتأییر مأموریت و به اکراه بوده است و مغرضانه است نه محققانه و منصفانه با وجود این ناسخ التواریخ از نظربیان تواریخ و شهرت و سنین از مدارک مورد توجه است.

۲ - روضة الصفای ناصری تألیف رضاقلی خان هدایت .

۳ - حقایق الاخبار ناصری تألیف میرزا محمد جعفر خان حقایق نگار .

۴ - مرآت البلدان ناصری تألیف میرزا محمد حسن خان صنیع الدوله .

۵ - فارسنامه ناصری تألیف حاجی میرزا حسن شیرازی مشهور به فسائی .

۶ - روزنامه وقایع اتفاقیه سالهای ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹ - ۱۲۷۰

۷ - کتاب نور حقیقت تألیف حسینقلی مصباحی .

### بزبان فرانسه

۱ - مذاهب و فلسفه های آسیای وسطی تألیف گوینو Les Religions et les Philosophies dans Asie Centrale pdr le Camte de Gobineaie

این شخص در فاصله سالهای ۷۴ - ۱۲۷۱ هجری قمری وزیر مختار دولت فرانسه در ایران بوده است و مؤسس مسلمانکی است مربوط به برتری نژادی بنام گوینیسیم . این کتاب بفراسی ترجمه شده است .

۲ - تاریخ نیکلامنشی اول سفارت فرانسه در ایران چاپ پاریس سال ۱۹۰۵ - این کتاب نیز به فارسی ترجمه شده است .

۳ - لاروس فرانسه

### بزبان انگلیسی

۱ - آثار پروفیسور براون :

مواد لازمه برای مطالعه مذهب بابی - واقعه زنجان

یکسال در میان ایرانیان (بفارسی ترجمه شده)

تاریخ ادبیات عصر قاجار (بفارسی ترجمه شده)

۲ - تاریخ قاجار تألیف رابرت گرانٹ واتسن (بفارسی ترجمه شده)

۳ - پنجسال در یک شهر ایرانی Five years in a Persian town تألیف مالکم کشیش انگلیسی ساکن یزد که بفارسی ترجمه شده .

### کتاب دائره المعارف

به عربی :

دائرة المعارف فرید وجدی جلد ثانی ص ۵ ذیل عنوان "البابیه" و نیز ص ۳۷۵ ذیل عنوان "البهائیه"

به زبان انگلیسی :

دائرة المعارف بریتانیکا Encyclopaedia Britanica چاپ یازدهم جلد سم صفحه ۹۵۹۴  
تحت عنوان Babism و چاپ چهاردهم ص ۸۳۸ در ذیل Bahaim Bahai Cause

که رجوع میدهد به Babism

دائرة المعارف اسلام Encyclopaedia of Islam ص ۵۷۲ ذیل لغت بهاء الله ونیز  
آخر ص ۵۴۴ ذیل لغت Bab و ص ۵۴۸ ذیل لغت Babi

دائرة المعارف آرمزورث The Harmsworth Encyclopaedia در هشت جلد ص ۵۰۸ ذیل  
عنوان Babi

دائرة المؤلف آمریکانا ص ۴۴ Bahaim و آخر ص Babi

دائرة المعارف کلمبیا ص ۱۲۰ به بعد و ص ۱۲۵

دائرة المعارف دین و اخلاق Encyclopaedia of religion and Ethics ص ۲۹۹ به بعد و ص ۳۲۲  
تکرارا تذکر میشود که به زبان انگلیسی کتب متعدده راجع به امر مبارک نوشته شده که ذکر

اسای بخش کوچکی از آنها نیز از حوصله این مختصر خارج است .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

فلورانس برید خان ( بقیه از صفحه ۱۹ )

ولی امرالله طی تلگراف منیعی تأثرات خود را از این فقد ان چنین ابلاغ فرمودند :  
" از صعود کنیز محبوب و ممتاز و با وفای عبدالبهاء شدیدا متأثر . برای ارتقای روح او بملکوت  
ابهی مشتاقانه دعا میکنم ... "

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

گروه داون بریکرز ( بقیه از صفحه ۲۸ )

تلویزیونی و ایستگاههای رادیویی در سراسر قاره استرالیا اجرا نموده اند هنوز بگوش میرسند و با پیام  
ملکوتی حضرت بهاء الله مردم این دیار را هشدار میدهند .  
این ضدیان خوش الحان خستگی نمی شناسند و استراحت نمی جویند . چون فرشتگان سبکبال هرروز بسه  
شهری درآیند و سروش دوست را بگوش بیخبرانی که در بستر غفلت آرمیده اند میرسانند و چنین میسرایند :  
" ای دوستان یردان آواز یکتا خداوند بی نیاز را بگوش جان بشنوید تا شما را از بند گرفتار بهاسا  
و تیرگی تاریکیها آزاد فرماید و به روشنائی باینده رساند ... آفتاب جهان جاودانی از مشرق اراده \*  
رحمانی در اشراق و دریای بخشش یزدانی در امواج بی بهره کسی که ندید و مرده مردی که نیافت ... "

# بشری هله بشری

روشن بهرمی

یاران ز شبستان بخرامید بصررا  
کز پرده برون آمده آن دلبر زیبا  
هنگام نشاط است و گه سیر و تماشا  
اسباب طرب جمله نمائید مهیا  
کا روز بود بعثت آن مالک اسماء  
عید است و بود جمله جهان روضه رضوان  
روزیمت که بر تخت نشسته است سلیمان  
عید است و بود صحن چمن رشک گلستان  
ناطق به ثنا احمد و موسی و مسیحا  
روزیمت که بر تهنیت حضرت یسزد آن  
چنگ و دف و تنبور و نی و تار بیارید  
صنعان شده ام آن بت و زتار بیارید  
مجنونم و دارم هوس دیدن لیلا  
ای منتظرین دلبر موعود بر آمد  
خلاق ام دلبر مقصود بر آمد  
سلطان قدم هیگل معبود بر آمد  
آن غیب منیعی که نهان بود بر آمد  
بشری هله بشری هله بشری هله بشری  
هر سو که نظر میگم آن یار موعود است  
ای دلشدگان دلبر عیار موعود است  
شاه را شناسند بجز مردم بینا

# نامه ای از یک مهاجر

هندوراس: روح انگیزانه

کمی تعداد مهاجر بود والا مردم بسیار مستعد و تشنه چشمه هدایت بودند. کشور هندوراس انگلیس از این جهت مثال خوبی است. این کشور در کنار دریای کربین Caribbean واقع شده و دارای صد هزار نفر جمعیت است که اغلب آنها را سیاهپوستان افریقائی تشکیل میدهند که سالها پیش بعنوان برده بایمن کشور آورده شده اند و بقیه جمعیت آن بومیهای سرخ پوست قبیله ماین Mayen هستند. در رضوان سنه ۱۹۶۶ که من از انگلستان برای انجام یکی از اهداف نقشه نه ساله سهمیه هندوراس انگلیس باین سرزمین مهاجرت نمودم در تمام این کشور فقط من نفر بهائوسی بومی وجود داشت که این عده در نتیجه فداکاری و استقامت دو مهاجر عزیز امریکائی که فاتحین هندوراس انگلیس بوده و مدت سه سال در اینجا خدمت میکردند بامر بهائوسی مؤمن گشته بودند. چندی که از اقامت من در این کشور سپری شد در اواخر سال ۱۹۶۶ جوان عزیز ایرانی جناب دکتر هدایت اللی احمدیه از امریکا باینجا هجرت کرده و شروع به

خانم روح انگیزگانه مهاجر عزیز هندوراس انگلیس نامه ای شور انگیز به هیئت تحریریه مرقوم داشته اند که قسمتهائی از آن برای استفاده خوانندگان محترم ذیلا نقل میگردد: امریکائی مرکزی مرکب از هشت کشور است باسای مکزیک - گواتمالا - هندوراس - ال سالوادور - پاناما - کستاریکا - نیکاراگوا و هندوراس انگلیس که تمامی این ممالک باستثنای مکزیک از نظر وسعت خاک کوچک ولسی دارای جمعیت نسبتا فراوان بوده و بیشترشان اسپانیول و سرخ پوست بومی هستند. امرالهی نخستین بار بوسیله فخر مبلغین و مبلغات و مقتدای مؤمنین و مؤمنات امة الله العزیزه میس مارتاروت به بعضی از این ممالک آورده شد و بعد از ایشان در دوره اولین نقشه هفت ساله امریکا که بدست حضرت ولی محسوب امرالله طرح شد عده ای از مهاجرین مخلص امریکائی به این کشورها هجرت کرده مشعل امرالله را روشن نمودند ولی تا سالهای اخیر آئین الهی آنطوری که باید و شاید در باین بومیهای این ممالک رسوخ نکرده و علت آنها

تبلیغ دسته جمعی در قرآء و قضبات نمودند  
 و با خدمات شبانه روزی و فداکاری امرالله را  
 بتعام گوشه های دور افتاده این کشور و درین  
 سرخ بوستان بردند بطوری که بعد از چهار ماه  
 در رضوان سنه ۱۹۶۷ تعداد احبای این  
 کشور از ۳۰ به ۳۰۰ نفر رسید و نتیجتاً  
 توانستیم محافل روحانی را از عدد ۴ به ۱۲  
 و مراکز امری را از ۸ به ۲۵ رسانیده و محفل  
 ملی آن را طبق دستور بیت العدل اعظم  
 تشکیل دهیم و اکنون که مشغول نوشتن این  
 نامه هستم و ده ماه از رضوان میگذرد عده  
 مراکز امری نزدیک به ۷۰ رسیده و امید میرود  
 که تعداد محافل محلی در رضوان ۶۸ به ۲۴  
 برسد . بطور خلاصه تعداد احبای هر روز رو  
 به ازدیاد است . البته این موفقیتها برای  
 مهاجر عزیز ما جناب دکتر احمدیه آسان  
 بدست نیامده است چه که ایشان با داشتن  
 درجه تخصص در رشته امراض اطفال از کشور  
 امریکا در اینجا هنوز بیکار هستند و بدون  
 داشتن امید بکسب اجازه کار همچنان به  
 خدمت مشغول میباشند و بعلاوه در نتیجه  
 یکی از مسافرتها تبلیغی به دهاتی که در  
 اعماق جنگلهای دور دست جنوبی این کشور  
 واقع شده به بیماری مشکلی مبتلا و مدتی  
 مدید بستری بودند معهداً آنی از فعالیت  
 تبلیغی باز نایستاده با شجاعت و استقامت  
 کامل بهدایت نفوس مشغول و سرمشق ونمونه  
 جالبی از خلوص نیت و صبر و استقامت و شور  
 و انجذاب برای همه ما هستند .  
 خانم یگانه در قسمت های دیگر  
 نامه خود از پاک و صفای قلب مردم نواحی  
 مزبور و استعداد روحانی آنها به تفصیل یاد  
 کرده و از جمله نوشته اند :  
 در کلبه ای دهقانی در یک دهکده دور افتاده

خانواده کوچکی نشسته و چشم بدهان مهاجر  
 عزیز ما که مژده بخش پیام آسمانی حضرت  
 بهاء الله بود دوخته بودند . هرچه او بیشتر  
 میگفت چشمان آنها براق تر و صورتشان نورانی تر  
 میشد و سرور و شادی موفور در نگاه آنها  
 موج میزد و وقتی که این مهاجر پرسید که آیا  
 سو ال دیگری درباره امرالله دارید گه  
 میخواهید طرح کنید پدر خانواده در حالی که  
 چشمانش از شادی میدرخشید گفت بلی من  
 یک سو ال دارم و آن اینکه چگونه میتوانم  
 بهائی شوم . او بهائی شد و سپس جمیع  
 اعضاء خانواده اش در ظل امرالله درآمدند  
 و پس از دو روز تبلیغ و گردش نصف جمعیت  
 دهکده مزبور بهائی شدند . خانمی من نیز  
 پس از مشاهده اسلاید های کنگره عظیم  
 جهانی لندن و ملاحظه قدرت بسیطه جمال  
 قدم بظل امرالله درآمد و صبح روز بعد یک  
 یک همسایگان خود از یافتن این درگرا تبهها  
 و احساس سرور و وجد خود سخن میگفت . این  
 خانم مشتعله در پایان آن روز بعلت سگه  
 قلبی بعالم بالا صعود نمود . راستی چقدر  
 هستند از این نفوس عارفه که قلبشان آماده  
 جذب محبت الله است و مشتاق شنیدن  
 ندای امر هستند . جناب دکتر جیاگری ایادی  
 عزیز امرالله در مسافرتی که باین مملکت نمودند  
 مذكر شدند که ای کاش احبای ایران باین  
 صفحات هجرت مینمودند و بخصوص از من  
 خواستند که دوستان ایرانی و خصوص جوانان  
 الهی را به هجرت به امریکای مرکزی تشویق  
 نمایم و وقتی که متوجه شدم بیت العدل  
 اعظم الهی هجرت احبای ایران را به امریکای  
 مرکزی جزو اهداف نقشه نه ساله قرار  
 داده اند در صد نوشتن این سطور برآمدم  
 و امیدوارم که نفوسی چند از احبای پیشقدم

..... نامه ای از يك مهاجر.....

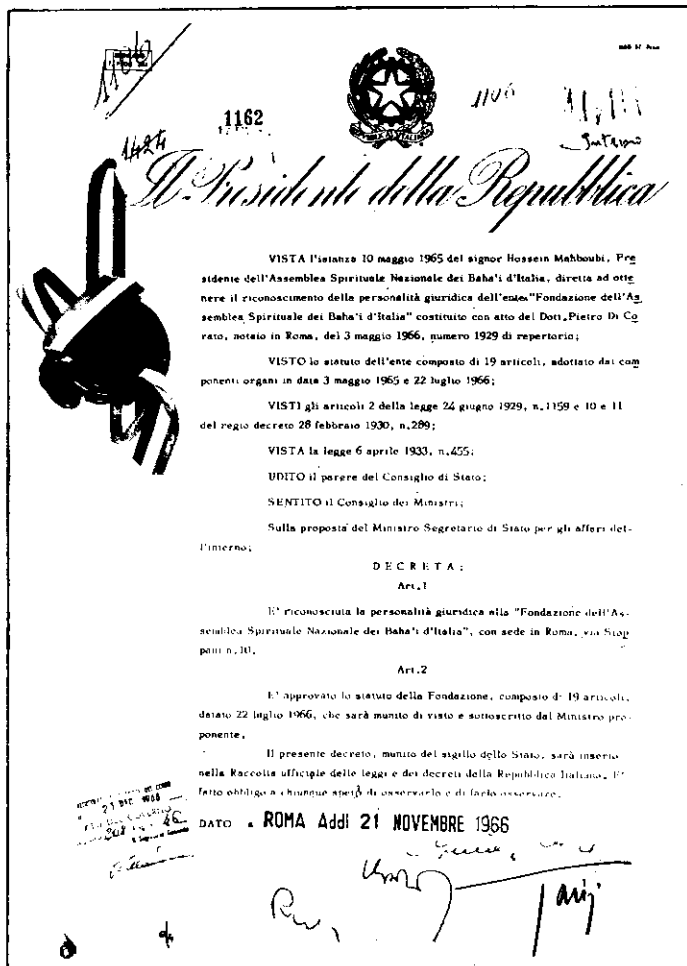
صدها هزار نفوس مشتاق را به چشمه آب حیات  
الهی برسانند .."

موطن جمال قدم قیامی عاشقانه نموده و بسا  
هجرت خویش باین مناطق هزاران بلکه

## اخبار مصور



ایادی امرالله جناب طراز اللسه  
سفندری در سفیر اخیر خویش به  
امریکا از ماشینی که در ایام اقامت  
حضرت عبدالبهاء در امریکا مورد  
استفاده هیکل مبارک قرار میگرفته  
بازدید نمایند م



عکس سند رسمیت امرالله در ایتالیا



عکس فوق کاروان بهائی را در کارناوال "هفته الوها" Aloha Week در هاوایی نشان میدهد. این کاروان بین کاروانهای دیگر ممتاز بوده و بدریافت جایزه موفق شده است. هنگام عبور کاروان از درون هر یک از حفره هایی که در وسط ستاره ها دیده میشود کودکی از نژادهای مختلف بیرون می آمده است.



عكسهای از سفر حرم مبارك  
امه البهاء روجه خاتم  
به بولیویا





# مسابقه

این صفحه را به اعلام خبری خوش و سپاسگزاری از یاری دیرین اختصاص میدهیم . خبر خوش طرح مسابقه ای است برای نویسندگان جوان و تشکر از یکی از دوستان صمیمی آهنگ بدیع ( خواسته اند نامشان مکتوم بماند ) که جایزه ای ارزنده برای این مسابقه تعیین و پرداخت آن را تقبل فرموده اند .

نگارش "شرح حیات و خدمات حضرت امة البها" روحیه خانم ؟

موضوع مسابقه

جوانان بهائی که سنشان بین ۱۵ و ۳۵ سال است میتوانند در نوشتن این مقاله شرکت کنند .

شرکت کنندگان

از آنجا که تهیه اسناد و مآخذ لازم جهت نگارش این مقاله احتیاج به فرصت کافی دارد مقالات رسیده تا پایان سال ۱۳۴۷ برای مسابقه قبول میشود .

مدت مسابقه

۱ - مقاله نوشته شده نباید از ۵ صفحه آهنگ بدیع کمتر و از ۲۰ صفحه بیشتر باشد .

شرایط مسابقه

۲ - مقاله باید در دو نسخه تنظیم و باخط خوانان نوشته شود  
۳ - نام - نام خانوادگی - نشانی - تاریخ تولد - شماره و محل تسجیل نویسنده باید کاملاً مشخص باشد .

۴ - مقالات باید با پست به آدرس ( طهران - صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱ ) ارسال شود .

۵ - مقاله باید مستند به مآخذ و اسناد معتبر باشد و در تمام

..... مسابقه .....

و در تمام موارد مآخذ مطالعه یا مرجع کسب اطلاع در باین صفحات مقاله مشخص شود .  
کلیه مقالات رسیده به وسیله هیئتی از فضلا و دانشندان بهائی که از طرف آهنگ بدیع  
تعیین میشود مورد مطالعه و رسیدگی قرار خواهد گرفت و از بین تمام مقالات پنج مقاله کسه  
بہتر از بقیه تشخیص داده شود انتخاب و از بین این پنج مقاله یکی به عنوان برنده مسابقه  
برگزیده میشود .

جایزه سابقه  
مخارج رفت و برگشت برنده مسابقه به ارض اقدس جهت  
زیارت اماکن مقدسه بهائی

در صورتی که مقالات رسیده هیچکدام حاوی شرایط فوق و مورد نظر آهنگ بدیع نباشد ممکن  
است این جایزه به مسابقه دیگری تخصیص یابد .  
آهنگ بدیع از دستدار قدیمی خود که با تقبل این جایزه نفیس موجبات تشویق نویسندگان  
جوان بهائی را فراهم کرده اند صمیمانه سپاسگزار است .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

توضیح و اعتذار

- ۱- در شماره ۱۱ و ۱۲ سال ۲۲ آهنگ بدیع ذیل مقاله کلاس درس تبلیغ جناب نعیم عکسی  
تاریخی درج شده بود که شرح کامل آن در موقع انتشار دردست نبود . اینک از خوانندگان عزیز تقاضا در شرح  
ذیل آن عکس را بترتیب زیر تکمیل و تصحیح بفرمایند :  
این عکس در سال ۱۹۱۰ میلادی در طهران گرفته شده است .
- ردیف ایستاده از راست بچپ : نفرات اول و دوم شناخته نشد ۳- جناب ولی الله ورقا ( ایادی امرالله )  
۴- جناب دکتر لطف الله حکیم ۵- جناب ضیا الدین منادی .
- ردیف نشسته از راست بچپ : ۱- جناب سرهنگ عنایت الله سهراب ۲- جناب نعیم ۳- جناب میرزا  
حسن خان جاوید .
- ردیف پائین از راست بچپ : ۱- جناب محمد لیب ۲- جناب عبدالحسین منادی ۳- جناب عبدالحسین نعیمی  
۴- جناب عزت الله علائی .
- ۲- فرستنده مقاله شرح حال دکتر بهرگوا مندرج در شماره ۱۱ و ۱۲ سال ۲۲ صفحه ۴۰ همکار  
صمیمی آهنگ بدیع جناب عزیزالله قلیلی از هندوستان بودند که متأسفانه نام ایشان در صدر مقاله ذکر  
نشده بود . لطفاً اضافه بفرمائید .

# نظرات خوانندگان

آهنگ بدیع همیشه علاقمند بوده است که از آراء و عقاید خوانندگان درباره مطالب مجله اطلاع حاصل کند و تا حد امکان از نظرات صائب ایشان در بهبود و کمال بخشیدن بآن یاری جوید .  
بهمین منظور بهراره شماره اول دوره اسال پرسشنامه ای تهیه و نشر شد تا خوانندگان دوستداران مجله درباره جنبه های گوناگون مطالب آن باظهار نظر بپردازند .

آرزو و انتظار داشتیم که جمع بیشتری در این نظر آزمائی شرکت جویند و ما را در رسیدن به هدف مطلوبمان که دست یافتن بر عقاید خوانندگان آهنگ بدیع بود یاری نمایند اما تعداد آنهایی که در این راه قدم به پیش نهادند و درجه های افکار خویش را بر روی ما گشودند بسیار اندک بود . در عین حال کسی عده جواب دهندگان به پرسشنامه میزانی برای سنجش تعداد علاقمندان مجله آهنگ بدیع نمیتواند باشد زیرا آهنگ بدیع در طی دوره نسبت طولانی حیات خود پیوسته از آراء سودمند خوانندگان خود مدد جست و اگر پیشرفتی در کار حاصل شده جز به برکت این عقاید و آراء نبوده است .

در نظر آزمائی فعلی برای بهتر ساختن نشریه آهنگ بدیع هم از نظر ظاهر و هم از لحاظ مطالب پیشنهاد های بسیار سودمندی بعمل آمده و کمک های گرانبهایی وعده شده که محققا بموقع خود مورد استقااد قرار خواهد گرفت .

از دوستان عزیزتی که بما وعده یاری داده اند تقاضا داریم و مشتاقانه در انتظاریم که بوعده های خود وفا کنند و با ارسال مقالات اشعار طرحها عکسها نامه ها نقاشیها و سایر آثار خود ما را بیسش از پیش سرور و مضمون خود سازند .

بجاست که از دوستان عزیز خانمها و آقایان سعود صدی هوشنگ گهر ریز عطا الله نصیری زاده مهرانگیز هوشنگ شهناز ایردی هوشیار مجیدی محمد مکران ایرج حقیقی جلال حسینی نژاد حاجی بابا رحمانیان غلام عباس هوشمند جعفر دهقان احمد داوری گیتی دلخوش و جهانگیر رئیس که بسا اظهار نظراتی سودمند علاقه و دل بستگی خود را به آهنگ بدیع ابراز فرموده اند صمیمانه تشکر کنیم .

.....

پیشنهاد هایی که بما رسیده است همه در خور تحسین است و در اینجا بعضی از این پیشنهادها

را با اظهار نظری مختصر میآوریم تا سایر دوستان نیز بر آنها واقف گردند .  
آقای مسعود صدی خواسته اند که :

۱ - ترجمه های مفید از تشریحات و کتب امری که بزبانهای خارجی نوشته میشود بیشتر در آهنگ بدیع درج شود .

۲ - از فضایی امر مخصوصا اساتید بهائی دانشگاه بیشتر استفاده شود .

۳ - خاطرات تبلیغی در آهنگ بدیع درج شود .

در مورد پیشنهادهای ایشان گرچه از نظر دور نبوده ولی در آینده مسلما بیشتر مورد توجه خواهد بود .  
آقای هوشنگ گهرریز نظرات ذیل را اظهار کرده اند :

۱ - درج خاطرات مهاجرین مخصوصا مهاجرین جوان

۲ - درج خاطرات مسافرتهای حضرات ایادی امرالله بنقاط مختلفه جهان

۳ - استفاده بیشتر از نمودارها در مقالات تاریخی و تحقیقی

پیشنهاد اول ایشان را حتما عمل خواهیم کرد . در مورد پیشنهاد دوم ایشان چون این نوع مطالب بیشتر در اخبار امری درج میشود در آهنگ بدیع تکرارش چندان مطلوب نخواهد بود . نظر سوم ایشان بسیار سودمند و لازم است اما باید توجه داشت که اینکار بیشتر مربوط میشود بنویسندگان آهنگ بدیع . از جمله مقالاتی که در آن از نمودارها استفاده شد مقاله " تقدم امرالله طی یکصد سال گذشته " مندرج در شماره مخصوص میباشد که حتما مورد توجه شما قرار گرفته است .

ضمنا آقای گهرریز فهرستی از اسامی ایادی امرالله و معاونین ایادی خواسته اند . اسامی حضرات ایادی را میتوانند از مقاله " ایادی امرالله " مندرج در سالنامه ملی جوانان ( سال ۱۲۱ - ۱۲۲ بدیع ) بدست آورند . متأسفانه صورت اسامی معاونین ایادی را در اختیار نداریم .

آقای عطاء الله نصیری زاده خواسته اند که مدت مسابقات آهنگ بدیع بیشتر شود . تا حدی که لازم باشد عمل خواهد شد .

خانم مهرانگیز از علی آباد گرگان پیشنهاد کرده اند که در آهنگ بدیع بمسائل تربیتی و روانشناسی بیشتر توجه شود و ضمنا خواسته اند که قسمت نوجوانان بدو قسمت یکی برای اطفال تا ۸ سال و دیگری برای نه سال بیبالا تقسیم شود . پیشنهاد اول ایشان در برنامه سال آتیه آهنگ بدیع منظور شده از خداوند میخواستیم و مسائل اجرایش فراهم آید . در مورد نظر دوم ایشان با توجه به محدود بودن صفحات و نوجوانان عملی نیست . اگر توفیق نصیب شود که قسمت نوجوانان مستقلا نشر شود نظر ایشان را حتما بکار خواهیم بست .

یکی از دوستان از آبادان توجه ما را به لزوم ارتباط بیشتر با خوانندگان یاد آوری کرده اند . اینکار فعلا در صفحه گفت و شنود انجام میشود .

آقای هوشیار مجیدی خواننده جوان و با ذوق آهنگ بدیع نظرات سودمندی اظهار داشته اند :

۱ - کوشش در درج تصاویر بیشتر و بزرگتر .

۲ - درج خلاصه مجله بزبان انگلیسی

۳ - تشکیل هیئت هایی در شهرستانها برای توزیع آهنگ بدیع

پیشنهاد اول آقای مجیدی را حتما مورد نظر خواهیم داشت . نظر دوم ایشان که بسیار شایسته تحسین

..... آهنگ بدیع .....

است بعلت نبودن وسیله اجرایش فعلا ممکن نیست . در مورد پیشنهاد سوم ایشان لازم است بگوئیم که هیئت تحریریه در توزیع مجله دخالتی ندارد .

آقای ایرج حقیقی خواسته اند که بمسائل علمی هم توجهی بشود این نیز در برنامه سال آینده آهنگ بدیع منظور شده است .

آقای حاجی بابا رحمانیان و غلام عباس هوشمند تقاضا کرده اند آهنگ بدیع با خوانندگان بیشتر ارتباط داشته باشد و بسره الات ایشان در صفحه مخصوصی پاسخ گوید . اگر دوستان آهنگ بدیع سولاتی طرح کنند که جوابش برای عموم جالب و مفید باشد حتما پاسخ خواهیم گفت .

آقای علی عسکری پیشنهاد نموده اند مقالاتی در باره وضع زندگی مردم مخصوصا احبائه در سایر کشورها درج شود و مقالاتی نیز به بحث پیرامون فلسفه های جدید اختصاص یابد . برای اجرای پیشنهادات ایشان اقدام خواهیم کرد .

آقای احمد داوری نظرات مفیدی برای بهبود ظاهر مجله اظهار کرده اند . امیدواریم خود ایشان ما را در این کار کمک کنند .

خانم گیتی دلخوش پیشنهادات ذیل را فرستاده اند :

۱ - ترتیب مسابقاتی برای نوشتن مقالات و سرودن اشعار .

۲ - توجه بمسائل علمی جدید .

۳ - تشکیل هیئت فرهی آهنگ بدیع در شهرستانها .

۴ - توجه بیشتر به تصاویر و استفاده از نقاشیهای جوانان برای روی جلد

۵ - نوشتن داستان های جذاب امری

پیشنهادات اول و دوم و سوم ایشان را عمل خواهیم کرد . در مورد نظرات چهارم و پنجم تنها امید ما بهمکاری خوانندگان و افراد هنرمند جامعه است .

آهنگ بدیع

# گفت و شنود

عده ای از خوانندگان علاقه مند و دوستدار آهنگ بدیع از ما خواسته اند که در سبک نگارش مطالب مجله تحولی بدید آهریم و مقالات را با زبانی ساده تر و انشائی روانتر بنویسیم .

برای استحضار این دسته از خوانندگان عزیز یاد آور میشوم که اگر مطالب و مندرجات آهنگ بدیع بقلم کسانی است که عضو هیئت تحریریه نیستند و شیوه ما در این قبیل از موارد اینست که از بین مقالات رسیده مطالب لازم را متناسب احتیاج انتخاب و شماره های مجله را تنظیم مینمائیم .

از آنجا که هیأت تحریریه همواره به ذوق و سلیقه نویسندگان و مؤلفین محترم بهائی احترام میگذارد کوشش بسیار بکار میرود که آثار رسیده در طی دو مرحله تصویبی کمتر دچار تنبیر شود بنابراین اگر احمیانادر بعضی مقالات کلمات ترکیبیات و یا عبارات مشکل و پیچیده ای بکار میرود که مورد پسند عده ای از خوانندگان ارجمند مجله آهنگ بدیع نیست هیأت تحریریه مسوؤلیتی ندارد زیرا سبک نگارش متعلق و مخصوص نویسندگان محترم است که از اختیار ما خارج میباشد .

نکته دیگر اینکه هیأت تحریریه در انتخاب و درج مقالات پیچیده و مشکل که ذکرش گذشت تعمد و اصراری ندارد بعبارت دیگر در شرائط مساوی از بین دو مقاله امتیازی از برای آنکه ثقیل تر و مشکلتر است قائل نیست بعکس تقدم را به مقاله ای میدهد که عاری از پیچیدگیهای لغوی و عبارتی باشد . فلسفه اینکار معلوم است آهنگ بدیع تنها مجله ای است که در جامعه بهائیان ایران منتشر میشود و اختصاص بطبقه خاصی از احبای ندارد و چون همه بهائیان از نظر معلومات و اطلاعات در یک سطح نیستند اساس کار باید طوری باشد که همه آنها بخوانند و از مطالب و مندرجاتش استفاده نمایند .

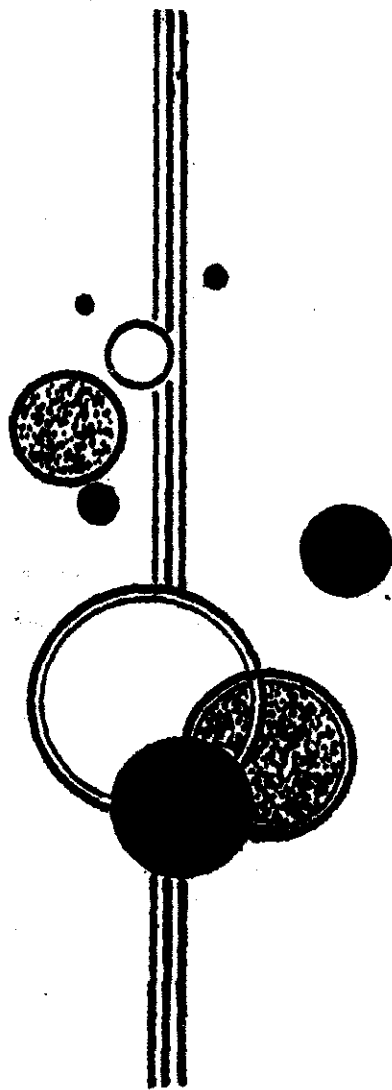
در پایان از عموم نویسندگان گرانمایه امر دعوت میشود که بظهور تأمین نظر فوق با ارسال آثار ساده تر و روان تر و متنوع تر این هیئت را در انجام وظائف خود یاری فرمایند . ضمناً این هیئت نیز بنوعی خود سعی خواهد کرد رویه ساده نویسی را دنبال نماید .

بارجای تائید  
هیئت تحریریه آهنگ بدیع

# قسمت جوانان

مطالب این شماره :

بیان مبارک حضرت بهاء الله پیام  
بجوانان . زندان ۳۰۰ . کاروان .  
هجوم برندگانها . خاطرات .  
ایاز بسر بچه چویان . معلومات و  
محفوظات امری خود را بیاز مائید  
شرح مسابقه شماره ۲۹۱ جواب  
معلومات خود را بیاز مائید . اعلان  
برنده مسابقه شماره مخصوص



حضرت بهاء الله می فرمایند :

«عموم اهل عالم باید از ضرورت و زبان شما سوده باشند»



# پیام جوانان

دکتر علیراد داودی

دل‌هایی که از شوق می لرزد جان‌هایی که گری به آتش می بخشد چشم‌هایی که با فروزش خود در بجاج تیره فام اعجازی همچون تابش خورشید در دل شب پدیداری سازد دست‌هایی که خستگسی نمی شناسد بازوانی که پیچ و تاب آنها از خواهش و جنبش و کوشش حکایت دارد پاهائی که بر زمین چنان راه می پیماید که گوئی طیر سبک بالی در آسمانها بر می گشاید تن‌هایی که با همه استواری در سبکی و چالاکی گوی از نسیم می برد . . . این است آنچه جوانان ما بدان می نازند این است آنچه لب‌های ما را به ستایش آنان می گشاید این است آنچه هیچ کدام از جلوه‌های هستی در جلال و جمال به پایه آن نیست .

همچون دریائی پر خروش سر به طغیان بر می دارند . این نه طغیانی است که مرگبار و هراس انگیز باشد . طغیانی است که هشدار می دهد چشم‌های برهم افتاده و خواب‌آلوده را می گشاید سکوت مرگ را در هم می شکند و غوغائی از هلهله و هیاهو بها می سازد . همچون شعله آتش زبانه می کشند . این نه شعله ایست که جان‌گداز و هستی سوز باشد . شعله ایست که روح را در خود مصوری سازد ظلمت‌دل را می شکافد ما معین حقیقت را از یخ زدگی و افسردگی بازی دارد .

همچون نسیمی به جنبش در می آیند . این نه جنبشی است که نشانی از گریز پائی و سرکشی دارد جنبشی است که به گلها رنگ و جلای بخشد . سبزه‌ها را از طراوت سیراب می کند درختان را تاجی سیمین از شکوفه‌ها بر سر می گذارد پیچ و تاب موزون به اندامها می دهد جان‌های پاک را که در قفس‌های سینه‌ها گرفتارند مددی از هوای جان‌فزا می رساند .

اگر این دریا سر به طغیان بر ندارد اگر این آتش زبانه نکشد اگر این نسیم به جنبش در نیاید چه نشانی از حرکت می توان دید ؟ چه امیدی به حیات می توان بست ؟ چه جلوه‌ای از روح می توان یافت ؟ و آنجا که حرکت پیدا نباشد و حیات رخت از میانه بریندد و روح در پرده خفا بماند حقیقت چگونه جلوه میکند ؟ ایمان چگونه به ظهور می رسد ؟ و دیانت چه مهبوبی دارد ؟

..... پیام به جوانان .....

امربهایی که حقیقت را جلوه میدهد ایمان را به ارمغان می آورد دیانت را از نابودی می رها کند و جهان هستی را جوانی جاویدان می بخشد ناگزیر در وجود جوانان ظهوری شدیدتر دارد . رب اعلی در جوانی نقاب از رخساره بر انداخت ، جمال ابهی در جوانی خویشتن در عالم امکان ظاهر ساخت ، مولی الوری در جوانی نرد محبت باخت ، ولی امریها در جوانی قد بر افراخت . قدوس در جوانی دل به دریا زد ظاهره در جوانی سر به بیابان گذاشت ، روح الله در جوانی نعره از دل بر کشید ، بدیع در جوانی غوا به جهان افکند .

بزرگان ما جوان بودند جوان ماندند و جوان از جهان رفتند . اگر به سالخوردگی رسیدند جوانی از دست ندادند . زیرا که ایمان را نه دل در سینه به بزمردگی گزاید و نه آتش در دل به خاموشی رفت . نه تن در راه از جنبش باز ایستاد و نه جان در تن به سستی گرفتار آمد . و جوانی را جز این چه مفهومی است ؟

امربهایی دستهای توانای جوانان را در گسستن بندهائی که برگردن دلها انداخته اند ، در شکستن زنجیرهایی که به پای خردها بسته اند ، در گشودن گره هائی که به رشته جانها انداخته اند بسته خدمت می پذیرد . باهای خستگی ناپذیر جوانان را در پیمودن دشتها و فرارفتن از کوهها و رسیدن بدانسوی دریاها برای گرد آوردن فرزندان سرگشته آدم ، برای بهم پیوستن دلهای ریمده آشنایان بیگانه نمای ، برای نابود ساختن ظلمت و وحشت و نفرت از صحنه ای که جلوه گاه نور حقیقت می تواند بود بکار می گیرد .

این است که دلهای خود را به جوانان می سپاریم امیدهای خود را به جوانان می بندیم و آرزوهای خود را در جوانان می جوشیم و کاشکی جوانان ما این دلهای امیدوار و آرزومند را همچنان سرشار از امید و آکنده از آرزو نگاه دارند .

# زندانیان ۱۳۰۰

از جناب آقا سید اسدالله قلی که در ایام جمال قدم و حضرت عبدالبها از مجاورین و طائفین حول بوده کتاب شرح حالی باقی مانده موسم به هزار داستان که در آن حکایت حال خویش را از بد و طفولیت تا زمان تصدیق امر مبارک و تشرف بحضور جمال قدم و بعد از آن ذکر کرده است .  
در این کتاب که تکثیر نشده بسیاری نکات تاریخی وجود دارد که نویسنده خود شاهد آنها بوده است .  
قسمت زیر که از این کتاب نقل شده راجع به زندانی شدن عده ای از احباب در سنه ۱۳۰۰ هجری قمری است .  
در آن سال جناب ابوالفضائل و جناب حاجی ابوالحسن امین و جناب حاجی علی اکبر شه میرزادی و جناب ملا رضای محمد آبادی یسزدی و جمعی دیگر گرفتار شده بودند .

... در انبار شاهی وقتی شاهزاده محمد نبی میرزا را که سالها یاقی دولت و شخص دلیر و خطیبی بود گرفته آورده بودند، زیر زنجیر و غل از جناب ملا محمد رضا سو ال میکند که شما را بچه جهت بایسن سختی حبس نموده اند . ایشان در جواب او میفرماید بجهت بایی گری و ضنوان دین و مذهب جدید .  
شاهزاده میگوید مقصد اصلی شماها چیست در جواب میفرماید ما و شماها ابد ا اختلافی نداریم مگر اینکه ما میگوئیم قائم آل محمد ظهور فرموده شماها میگوئید نفرموده ( چنانکه پیروان کلیه ادیان گذشته نیز مظاهر ظهور بعد را قبول نکرده اند ) ... لهذا ما را گرفته بدین ضوال در انبار آورده اند و حبس نموده اند .

جناب آقا میر ابوالفضل زید تائیده عصر به عصر در اطاق یوزباشی می رفتند حساب انبار را می نوشتند فراشهای انبار بنای فحاشی را میگذارند که حیاند دارند و شرم نمیکنند در انبار شاهی هم دست از مردم بر نمی دارد میخواهد هر کس به انباری آید از دین بیرون و او را بهائی بنماید . ما نمی دانیم از دست این بی دین چه کنیم دست رد به سینم احدی نمی گذارد . شاهزاده به محض اینکه وارد انبار گردید

فرصت نداد بهر بهانه ای بود نزد او آمد و او را اغوا نمود . حضرت ابوالفضل آنجه از فراشها شنیده بودند روز ثانی در حیاط کوچک انبار که خلوتی بود ذکر نمودند که چه شما را واداشته که بی حکمتی بنمائید علت زجر و توبیخ یاران در زندان گردید مگر ماها مأمور به حکمت نیستیم و قدری درشتی نمود ...  
 جناب میرزا محمد رضا در نهایت ملامت و بردباری فرمودند از بنده حضرت شاهزاده سوہ الی فرمود بنده جواب بروجه صواب دادم ( بعد ) صبر نمودند تا که یوزباشی به انبار سرکار خود آمد جناب ملا محمد رضا غنیمت شعردہ بی خبر ماها نزد یوزباشی رفته اظهار نمود که " بین من و میرزا ابوالفضل خارج از اعتدال در خصوص تبلیغ حضرت شاهزاده حرفی در میانمان رد و بدل شد حق بجانب ایشان بوده بنده قصور نمودم که در اینجا جواب به حضرت شاهزاده دادم بایستی سکوت میکردم از جناب یوزباشی خواهش دارم بجانب میرزا ابوالفضل حرفی نزنید بنده را تنبیه و سیاست بفرمائید زیرا فتور از بنده سر زده و بنده مقصوم نه ایشان . بعد از ساعتی یوزباشی با فراشها آمدند میان حیاط جناب ملا رضارا آوردند وسط آفتاب واداشتند با شلاق بنا نمودند به زدن ایشان در غایت تکلیف دست نازتین خویش را بروی چشمها نهاده شلاق می خوردند آه نمی کشیدند و نفس برنگ آوردند و به عادت مردم جزع و فزع نمی نمودند . یوزباشی دید ایشان در نهایت سکون و وقار شلاق می خوردند و نفس بر نمی آوردند . بغض و غضبش بجوش آمد شلاق را از دست فراش گرفت گفت این فلان فلان شده این همه شلاق می خورد آه نمی کشد و فریاد نمی کند ...

بضرب آنچه تا مابنا نمود به زدن سر و صورت ایشان را از ضرب شلاق سیاه نمود تا بغضش فرو نشست ... و ایشان به مقدار یک زرع از ضرب تازیانه حرکت کردند و دستشان را از روی چشم برنداشتند و تغییر حال برایشان پیدا نشد و زبان به عجز نگشود ... در نهایت بشاشت و استقامت رفتند به محل خود نشستند ... هنگام شام حقیر زنجیرم را کشیده خدمت ایشان رفتم و عرض کردم امروز قلوب احباب طرا مجروح و دلشان پر خون گردید چرا که شلاق هائی که ببدن شما می خورد به روح و فوہ اد احباب می خورد همه محزون و مکرر بودیم و چاره جز تسلیم و رضانداشتیم . جناب ملا رضا بغانی به طرز برخاش رونموده فرمودند این چه حرفی است می زنی . من وقتی که شلاق می خوردم در حالت بساطت و طرب بودم که به حب جمال مبارک نیر آفاق زیر شکجه و ضرب شلاق می باشم ... اینکه دست را روی چشم نهاده بودم محض این بود که خنده بنده را احباب حمل بر بی حکمتی نمایند و الا بنده از بدایت الی نهایت در حالت سماع و وجد و سرور بودم ... روز دیگر به یکی از اصحاب تفصیل حال و مقال ایشان را ذکر نمودم گفت بلی درست و صحیح و صدق می گویند یک وقت در زیر ایشان را در سر چهار سوق ها چوب کاری میکردند کسی نه ناله از ایشان احساس کرد و نه آه و فغان شنید بعد از چند محله که چوب خورده و پاهای ایشان از ضرب ترک زخم شده بود مردم دیدند ندا و صدائی از ایشان در نمی آید گمان نمودند مرده یا از هوش رفته اند نزدیک می روند دانش را کاری زنند می بینند دندانهایش را مسواک میکند وقتی که چوبکاری تمام شد رو بفراشها فرمود که بازی زنید یا جواب را بپا کم ...

# کاروان

ترجمه: انجمن تلمواری

با زاد و توشه ای مختصر راه سفر در پیش گرفتند تا جرعه ای از یاده محبت الله در کام منتظران تشنه لب ریزند و گمگشتگان وادی جهالت را رهنمون شوند. میرفتند تا بیخبران را بشارت یومی جدید بخشند و اسپران اوهام و ظنون را موده نجات دهند. مگر نه اینکه سال مقدس و هنگام حرکت و قیام عاشقان جمال جانان بود تا سربازان شجاع و دلیر امرالله با فداکاری و از خود گذشتگی ندای الهی را بسمع قریب و بعید برسانند. میرفتند تا همگام با برادران خود در اقصی نقاط عالم بطریق و وسائل ممکنه با انعقاد مجامع عمومی عظیمه در مراکز پر جمعیت عالم - با ارسال کتب و نشریات به موسسات رجال و شخصیت های برجسته - با تنظیم برنامه های متنوع و متعدد رادیویی و تلویزیونی - با انتشار مطالب و مقالات در جرائد و نشریات - با تأسیس نمایشگاههای کتب امری - با شرکت در کارناوالهای مختلفه و با تشکیل مدارس تابستانه و زمستانه ندای اسم اعظم را در انجمن بنی آدم مرتفع سازند آنان نیز در محیط دور افتاده خود قدمی بردارند و با قلت و وسائل با استعداد از قوای قدسیه الهیه در ایسن میدان چوگانی زنند و گویی برابند.

سالاری این کاروان عشاق را هوپر دانبار Hooper Dunbar عضو هیئت معاونت ایادی برعهده داشت و سه جوان غیر از مهد امرالله شعاع الله اشراقی - ضیاء الله وجدانی و هوشمند ثابتی کسه سالهاست موطن خود را ترک و هجرت اختیار نموده اند و موسسه من مخلص دیگری بنام اوسکار سالازار Oscar Salazar اعضای این کاروان بودند. سالازار از بیم آنکه مبادا از همراهی این قافله محروم گردد و طفل سه و شش ساله خویش را نیز با خود برداشته بود.

این گروه حاملان پیام ملکوتی حضرت بهاء الله در ماه سپتامبر سال گذشته با این کیفیت کشور آرژانتین را ترک و سفر خود را بسوی قبائل بومی در سرزمینهای دور دست آغاز نمودند و نمیدانستند که در این مسافرت با چه مشکلاتی مواجه خواهند شد و معاقب این مشکلات چه موفقیت های درخشانی کسب خواهند نمود.

مسافت ۳۵ کیلومتر را با شور و شعفی زاید الوصف طی نمودند و در نقطه ای بنام باتالانو Batallano رحل اقامت افکندند و از دیدار یاران این سامان مشام جان معطر کردند و رامون لرتکانو Ramon Lezcano مهاجر عریزی را که از پنج هفته قبل در این صفحات به نشر نفعات الله پرداخته بود ملاقات

..... کاروان .....

نموده برای ادامه سفر خود نیروی تازه یافتند . صبح روز بعد دوستان را وداع گفته راه خود در پیش گرفتند و با پای پیاده پانزده کیلومتر راه سنگلاخ و صعب العبور را پیموده با حالی خسته و کوفته و باهائی مجروح و دردناک به ماکوتا Macueta رسیدند . شب را در این نقطه استراحت نمودند و چون صبح شد بار دیگر پیاده بصوب کامپولارگو Campo Largo که بیست کیلومتر از آنجا فاصله داشت باید دیدار اجدادی قبیله جوانکو Chuanco رهمبار شدند . قدری از ظهر گذشته بود که به مقصد رسیدند و در دل مسرور بودند که پس از این همه راه پیمائی و تحمل رنج سفر به مقصد واصل



اعضای کاروان و زاندارمها

گردیده اند . چون در آن نواحی گاهگاهی زد و خورد های محلی روی میداد و پاسداران نظامی وزاندارمها همواره در عبور و مرور بودند ناچار افراد کاروان خود را به مأمورین معرفی و مدارک خویش را ارائه دادند طولی نکشید که بآنها اطلاع داده شد باز داشت هستند . مأمورین پس از بازجویی و استفسار از هدف این مسافرت این نفوس مخلصه را که هنوز از خستگی راه نیاسوده بودند مجبور نمودند پیاده و تحت الحفظ زاندارمهای مسلح چهار کیلومتر دیگر راه کوهستانی را طی کنند و نزد رئیس پاسگاه در آکامبوکو Acambuco بروند . این خادمان دلیر امالله با استقامت و بردباری کامل در حالی که دو طفل سالازار را که توانائی حرکت نداشتند در بغل میگرفتند و گاهی بر دوش میکشیدند مدت هفت ساعت و نیم طی طریق کردند و در حالی که بکلی از پای در آمده و قدرت حرکت بیشتری نداشتند به محلی که زاندارمها معین کرده بودند رسیدند . خون از باهایشان جاری و ضعف و خستگی مفرط بر آنان مستولی شده بود بطوری که بلافاصله بر زمین نقش بستند . رئیس پلیس نظامی که حال این ضعیفا را بدین ضوال دید بدنبال طبیبی فرستاد تا بر جراحات آنان مرهمی نهد و از صد و بین که بی حال بر زمین افتاده بودند مواظبتی نمایند . اندکی بعد باز استعطای و بازجویی آغاز شد و سپس چون احتیاج مبرم به استراحت داشتند جانی برای خوابیدن بآنها داده شد در حالی که زاندارمهای مسلح همچنان چشم از آنان بر نمیگرفتند . در هر حال اکسون

میتوانستند قدری بخوابند و از خستگی و کوفتگی خود بکاهند و این خود پس از آن همه مشقات و صدمات نعمتی بزرگ بود . با ماد افرا رسید و هنوز هوا روشن نشده بود که این جمع عاشقان را بار دیگر با بسای پیاده به نقطه دیگری بنام پوسیتوس Positos که ۴۲ کیلومتر از آنجا فاصله داشت روانه ساختند ولی این بار دوطرفه سالازار و یکفرا از همراهان را که نسبت به سایرین در وضعی وخیم تر بود بر قاطر سوار نمودند .

در پوسیتوس پس از یک سلسله بازجویی های دیگر بالاخره پلیس حکم آزادی آنان را صادر نمود . این یاران فداکار در شرح این احوال و بیان این ماجرا چنین نقل میکردند که هنگامی که این مسافرات بعیده را با سختی تمام می پیمودند موء منین اولیه را بخاطر میآوردند که چگونه در هوای سرد و طاقت فرسای زمستان در ملازمت جمال اقدس ابهی که از طهران به بغداد سرگون میشدند با پای پیاده طی طریق مینمودند تا از محبوب قلب خود دور نمانند و آتی از معبود حقیقی خویش انگاک نیابند . بیاد - می آوردند که چگونه سرور عالمیان اسیر کند و زنجیر بودند و این مصائب و آلام را تحمل میفرمودند تا بشریت از زنجیر اسارت نجات یابد و جمیع عالم از قیود رهایی جسته به آزادی حقیقی فائز گردند . این سفر گرچه پردرد و رنج بود ولی کاروان ما را بسوی گنجی شایگان که ید قدرت الهی در نقطه ای دور از انظار مخزون و مکنون ساخته بود رهبری نمود تا بدست این یاران فداکار مکشوف گردد و فتوحاتی عظیم نصیب آنان نماید .

افراد پلیس نظامی که چنین روح انقطاع ورشته اتحادی را در میان این منتسبین به امرالله به چشم دیدند عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفته چند تن از آنان تقاضای جزوات امری نمودند تا آنجا که این ملجسرا سبب شد تعالیم امر الهی بافسران پلیس ملی و پلیس فدرال و حتی سفارت کبرای مالک متحده امریکا در آن اقلیم ابلاغ شود و این مأمورین اطمینان یابند که امر حضرت بها، الله اطاعت از حکومت را تعلیم میدهد و بهائیان که معدودی از آنان را چنین با بیرحمی بازداشت کرده بودند کاملاً مطیع دولتند .



سینیور مارتین زامورا اولین بهائی قبیله \* ماتاگو

بیروزی درخشانی که از این سفر بدست آمد ورود اولین بوی قبیله ماتاگو Mataco در ظل امرالله بود . هنگامی که این گروه آزاد شدند جناب هوپر دانبار و جناب هوشمند ثابتی برای ملاقات سینیور مارتین زامورا Martin Zamora بطرف امباراسیون Enbaracion رفتند .

سینیور زامورا که از چند ماه قبل تعالیم امرالله را مطالعه مینمود در نتیجه این ملاقات که سه روز بطول انجامید ایمان خود را نسبت به امر بهائی رسماً ابراز

..... کاروان .....

داشت . هیكل مبارك حضرت ولی محبوب امرالله فتح قبيله مatakورا یکی از اهداف نقشه جهاد کبیرا کبر نه ساله تعیین فرموده بودند که اینک با قیام عاشقانه این خادمین شجاع و اقبال سینیور زامورا اکمال گردید .

موفقیت دیگری که حاصل سفر این کاروان محسوب میگردد در شرحی که محفل مقدس روحانی ملی آرژانتین مرقوم فرموده اند منعکس است :



#### اولین گروه مترجمین آثار امری به زبان محلی مatakو

" اطمینان داریم که سینیور زامورا در آینده یکی از مبلغین برجسته امرالهی بشمار خواهند آمد و ما مقدم او را به عائله جهانی بهائی صمیمانه تهنیت میگوئیم . با کمک سینیور زامورا و سایر اعضا خانوادہ ایشان موفق شده ایم ترجمه اولین جزوه امری را به لسان محلی مatakو فراهم سازیم . این جزوه که تقریباً بطبع خواهد رسید حاوی مناجاتها و آیاتی چند از آثار مبارکه حضرت بها' الله و تعالیم عمومی امرالله میباشد و یکی دیگر از اهداف باقیمانده نقشه نه ساله بیت العدل اعظم الاهی را تکمیل مینماید . این دو واقعه عظیمه قلوب اهل بها' را در جمیع نقاط عالم شاد و مستبشر خواهد ساخت ."





# بجوم بریدگانہیں

از اجماع تاوزند

ترجمہ: پورانہخت رحیمی

من یا خدا را میخواهم و یا هیچ نمیخواهم . من آنچه را که شما بمن ارزانی داشته اید نمیخواهم  
من در این جهان در جستجوی کمک نیستم زیرا مرا ارضا نمیکند .  
ثروت هم نمیخواهم زیرا آنچه را که من در آرزوی آن هستم بهیچ قیمتی نمیتوان خرید . من ناظر  
به حقیقت دادم و هرگز آن را فراموش نمیکنم .  
من ظهور مومود را شنیده ام و در راه یافتن آن از سر و جان میگذرم .  
ای بد گمانیها شما مرا ملول میکنید ولی نمیتوانید قلب مرا تسخیر نمائید .  
بنظر قوی میآئید ولی قدرت شما روبه زوال است .  
شما دشمنان خداوند هستید که پشت به حقیقت کرده اید ولی من به قدرت خداوندی مسلح تما  
بر شما حکومت کنم و شما را قهور نمایم و دست از جدال برنمیدارم تا شما را نابود کنم و مطمئن  
شوم که دیگر سر از خاک بر نمی دارید و مرا تهدید نمیکنید .

خدایا :

مرا کمک کن تا با دشمنان تو بجنگم و بآنان امان مده تا قلب من در آرامش کامل بماند .  
مرا یاری کن تا خادم بندگان تو گردم و در این عبودیت آزادی نا محدود یابم .  
مرا کمک کن تا از جمال ظاهری بگذرم و در قلب خود جمال ابدی جستجو نمایم .  
مرا یاری نما تا در مرحله از خود گذشتگی از عشق و نفرت بگذرم و خود را در اقدام جمال حقیقی فدا  
نمایم .

# خاطرات

ایادی ممتاز امرالله جناب طراز اللسه  
سمندری که پس از انعقاد کفرانسهای  
بین القارات برای ابلاغ کلمه الله و ترویج  
احباب مسافرتهای متعدی به ممالک و نقاط  
بعیده عالم نموده اند ضمن نطقهای  
خود خاطراتی از دوره تشریف خود بحضور  
جمال مبارک بیان داشته اند که اینک  
قسمتهائی از آن از نظر خوانندگان  
گرای میگذرد .

قدری از ۱۶ سال بیشتر داشتم که والدیم مرا بزیارت عکا فرستاد و من مدت شش ماه از فیض لقا برخوردار بودم تا اینکه صعود واقع شد . یک روز که بحضرت انور مشرف شدم همین که خود را بر اقدام مبارک انداختم کلاه از سرم بر زمین افتاد ولی جمال مبارک با متهای لطف و مرحمت کلاه را برداشتند و آن را بر سرم نهادند و بعد فرمودند " بشین " آنگاه با محبت تمام از حال والدیم و از مسافرتیم سو'ال فرمودند . من بسیار مضطرب شده و سر را پائین انداخته بودم . قادر نبودم که بصورت مبارک نگاه کنم و بشدت میلرزیدم . حضرت بهاء الله به کاتب خود امر فرمودند جای بیاورد و وقتی جای حاضر شد بمن تعارف کردند ولی در حالی که جای را بر میداشتم دستهایم همچنان میلرزید . چندین بار تکرار فرمودند " بفرمائید - بفرمائید " ولی دستهایم همچنان بشدت میلرزید . برای اطاعت امر مبارک کوشش زیادی کردم تا عاقبت جای را نوشیم .

.....

جمال مبارک گل سرخ را دوست میداشتند و خرمی از گلهای سرخ خوشبو روی پارچه سفیدی در سجن اعظم در مقابل آن حضرت قرار داشت . حضرت پتها' الله حقیر را صدا کرده فرمودند " طراز افندی - به هریک از یاران یک گل بده " (ترجمه) من امر مبارک را اطاعت نمودم سپس فرمودند " یکی هم برای خودت بردگر " و بعد اذن مرخصی از حضور مبارک صادر گردید .

.....

شش ماه در ارض مقصود بودم و بارها بشرف لقای جمال جانان مفتخر گشتم . در آخرین

تشریف جمال مبارک قدری احساس کسالت میفرمودند . در بستر مبارک جالس بودند و به چند متکا که در اطراف آن حضرت بود تکیه داده بودند . یاران را احضار فرموده با این بیانات ما را نصیحت فرمودند " وقتی که شمس جمال اقول نمود مضطرب نشوید - برای خدمت امرالله قیام نمائید - شما باید برای پیشرفت امرالله در مینسان اقوام عالم اقدام کنید " ( ترجمه )

بعد ضمن بیانات مبارک اجتناب از اختلاف و بیگانگی را که هادم بنیان امرالله است تأکید و امر فرمودند که برای استقرار وحدت و اتحاد مجاهدت نمائیم . زائرین پس از عرض عبودیت از حضور مبارک مرخص گردیدند .

## ایاز پسر بچه چوپان

ترجمه الباس ظهیری

در ایران انواع مختلف خریزه و هندوانه وجود دارد و معمول است که در این فصل جشنهایی برپا میکنند و با این میوه فراوان از میهمانان پذیرائی مینمایند . هنگامیکه فصل خریزه رسید پادشاه جشنی ترتیب داد و از بسیاری نفوس دعوت کرد . ایاز که بکارهای دیگر اشتغال داشت در این جشن حضور نیافته بود ولی میهمانان ظاهراً میدیدند که یکی از خریزه ها دست نخورده باقی مانده است . میان خود بنجوا میگفتند بالاخره خواهید دید که این خریزه که مسلماً بسیار شیرین و لذیذ است مخصوص پادشاه نگاهداشته شده است . چیزی نگذشت که پادشاه بدنبال ایاز فرستاد و خریزه را بریده پاره ای از آنرا باو داد و گهت توهم باید در جشن ما شرکت کنی . من این خریزه را برای تو نگهداشته ام . پادشاه خود نیز پاره ای از آن خریزه گرفته وقتی قدری از آن را بدهان گذاشت اظهار داشت این خریزه مثل زهر تلخ است . ایاز تو چگونه توانستی آنرا بخوری ؟

ایاز چنین جواب داد " در تمام عمرم من از دست شما شیرینی دریافت نموده ام حالا که شط بامن تلخی داده اید آیا باید آن را رد کنم ؟ تلخ از دست پادشاه من شیرین است " .

۱ - در شماره گذشته یکی از داستانهای ایاز را که حضرت عبدالبهاء حکایت فرموده اند در قسمت نوجوانان نقل کردیم این قسمت دیگری از همان حکایات است .

## معلومات و محفوظات امری خود را بسازم

آیا می‌توانید جاهای خالی را در آیات ذیل که از کتاب مستطاب اشراقات نقل شده است با این لغات پر کنید؟  
اخلاق - اعمال - امور - اوراق - بحر - چشم - حفظ - بشر - خشیت الله - دین - راجع -  
ستون - صلح - عدل - لایق - ملت - نظم - نفع - مرین - ناس

- ۱- همه ..... يك شجره و قطره های يك .....
- ۲- يا حزب الله ..... عالم ..... است چه که دارای دورکن است مجازات و مکافات .
- ۳- ..... نوری است بین و حصنی است زمین از برای ..... و آسایش اهل عالم .
- ۴- خیمه ..... عالم بدو ..... قائم و پربا مجازات و مکافات !
- ۵- جنود منصوره در این ظهور ..... و ..... پسندیده است .
- ۶- ..... / ..... معلق است به رجال بیت عدل الهی ایشانند اماء الله بین عباده و مطالع الامرئی بلاده .
- ۷- ..... بیان رحمن بنفوس عامله ..... .
- ۸- ..... را از آنچه ..... نیست حفظ نماید .
- ۹- جمیع را به ..... اکبر که سبب اعظم است از برای حفظ ..... امر نمودیم .
- ۱۰- ..... / ..... را به معروف امر و از مکر نهی نماید .

# مسابقه این شماره



سوالات زیر از لوح مبارک ۱۰۵ بدیع صادره از قلم حضرت ولی امرالله استخراج گردیده است. به يك نفر از کسانی که در جواب سوالات ذیل عین نص مربوطه را از لوح مبارک استخراج نموده و با ذکر صفحه و سطر به نشانی ( طهران - صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱ ) ارسال نمایند به حکم قرعه يك جلد کتاب اماکن متبرکه امری بعنوان جایزه تقدیم خواهد شد. لطفاً ذیل پاسخهای خود نام و تمام خانوادگی - نشانی - سن - میزان تحصیلات خود را قید فرمائید.

- ۱ - علائم بلوغ عالم چیست؟
- ۲ - امتداد کور الهی چند سال است؟
- ۳ - اولین مشرق الاذکار دنیا در کجا و بدستور چه کسی بنا گشت؟
- ۴ - امتداد عهد اعلی چقدر است؟
- ۵ - اعلان قائمیت در کجا انجام یافت؟
- ۶ - ملکه رومانیای طی چند اعلامیه امر الهی را گوشزد جهانیان ساخت؟
- ۷ - مخاطبین قلم اعلی در سورة الملوك و سایر الواح ملوك چه کسانی بودند؟
- ۸ - عصر ثانی دور بهائی موسم بد چیست؟
- ۹ - راجع به صلح اصفه چه میفرمایند؟

## جواب معلومات و محفوظات امری خود را بنویسید

- ۱- اوراق - بحر
- ۲- مری - عدل
- ۳- دین - حفظ
- ۴- نظم - ستون
- ۵- اعمال - اخلاق
- ۶- امور - ملت
- ۷- نفع - راجع
- ۸- چشم - لایق
- ۹- صلح - بشر
- ۱۰- خشیه الله - ناس

بسیار خوب	۲۰ جواب صحیح
خوب	تا ۱۵
ضعیف	تا ۱۰
بسیار ضعیف	تا ۵

برنده مسابقه شماره مخصوص آهنگ بدیع جناب ارجمند شاه محمدی از قزوین هستند که جایزه ایشان ارسال گردیده است .